



چالش های بخشی زاده برای احیای تیم فوتبال مس سونگون

در صفحه ۳

یکشنبه ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۲ سال نوزدهم شماره ۳۴۱۸ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۴ فرهنگ و ادب

حافظ در آذربایجان؛ از نوای ارس تا روستای هم‌نام در آذربایجان شرقی

طرح نو؛ سردبیر

بیستم مهرماه، روزی که به نام حافظ شیرازی، لسان‌الغیب، مزین گشته است، فرصتی معتنم برای تأمل در گستره نفوذ این شاعر بزرگ در فرهنگ و هویت ایرانی است. حافظ، با زبانی شیوا و کلامی نافذ، توانسته است مرزهای جغرافیا و زبان را درنوردد و در قلب تمامی اقوام ایرانی، شیراز تا خراسان و از خلیج فارس تا آذربایجان، جای گیرد. اما در میان تمامی این دل‌بستگی‌ها، ارتباط آذربایجان با خواجه شمس‌الدین محمد، یک رابطه صرفاً ادبی نیست، بلکه یک پیوند عمیق فرهنگی و هویتی است که ریشه‌های تاریخی و عاطفی دارد و جلوه‌های آن در نام‌گذاری‌ها و ادبیات شفاهی مردم این دیار مشهود است.

حافظ و موقعیت تاریخی آذربایجان در قرن هشتم درک جایگاه حافظ در آذربایجان نیازمند توجه به بستر تاریخی قرن هشتم هجری (دوره تیموری و پس از آن ایلخانیان) است. در آن زمان، آذربایجان، به ویژه تبریز، نه تنها یک مرکز تجاری و سیاسی، بلکه یک کانون درخشان علمی و ادبی بود. شخصیت‌هایی نظیر خاقانی شروانی، نظامی گنجوی و قطران تبریزی (با وجود زندگی در دوران‌های پیشین) و شاعران معاصر حافظ در آن منطقه، گواه بر این شکوه بودند.

در فضای تبادل ادبی آن دوران، اشعار حافظ نیز به سرعت از شیراز به سایر نقاط ایران منتقل می‌شد. آذربایجان در زمان ایلخانیان و سپس آل جلائر، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فلات ایران، مرکز ...

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

۲ سرمقاله

پیروزی حماس در آینده تحلیل‌های اسرائیلی؛ بازدارندگی «تل آویو» فروریخت؟

طرح نو؛ سردبیر

در کوران جنگ‌های سخت، روایت‌ها اهمیت کمتری از واقعیت‌های میدانی ندارند. در حالی که افکار عمومی و محافل سیاسی در ایران همچنان مشغول کشمکش بر سر این پرسش هستند که آیا جنبش مقاومت فلسطین (حماس) در نبرد اخیر با رژیم صهیونیستی پیروز شد یا بازنده، شاید نگاهی به نوشته‌ها و تحلیل‌های خود تحلیلگران یهودی و اسرائیلی بتواند افق دید دقیق‌تر و عینی‌تری از نتیجه این جنگ ارائه دهد. این تحلیل‌ها، که عموماً در فضای یأس و حیرت نگاشته شده‌اند، بر این باورند که با وجود متحمل شدن هزینه‌های انسانی هنگفت، این مقاومت فلسطین بود که توانست قواعد بازی را تغییر داده و تعریف جدیدی از مفهوم بازدارندگی را به منطقه دیکته کند.

صدای منتقد از دل «معاربو»

برای درک عمیق این شکست روانی و راهبردی، به نوشته‌های ...

۲ گزارش

سقوط آرام «هاکان فیدان»

۲ گزارش

بازخوانی نفوذ استعماری و توان نظامی ایران از منظر

ژنرال الکسی یومولوف؛

تاملی بر کتاب؛ «از گلستان تا ترکمانچای»

تحول آموزشی و فناوری در ارس؛ از احداث هنرستان تخصصی

تا ارتقای صندوق‌های پژوهش و فناوری

در منطقه آزاد ارس و پیگیری ایجاد دانشگاه فرهنگیان و احیای پردیس ارس دانشگاه علوم پزشکی تبریز خبر داد و افزود: با مجوز جدید، جذب دانشجو برای پردیس ارس از طریق آزمون تخصصی انجام خواهد گرفت.

مدیرعامل ارس: مطالبه عمومی ارسوندان، احیای پردیس علوم پزشکی ارس است

هادی مقدم‌زاده، رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس، نیز در این نشست با اشاره به زیرساخت‌های غیرفعال پردیس علوم پزشکی ارس گفت: مطالبه عمومی مردم ارس احیای واقعی این پردیس است. در حال حاضر به نام پردیس ارس دانشجو جذب می‌شود اما دانشجویان در تبریز تحصیل می‌کنند و امکانات موجود در ارس بلااستفاده مانده است.

وی با تأکید بر نقش مناطق آزاد در جلوگیری از خروج ارز و جذب دانشجوی خارجی افزود: پردیس‌های دانشگاهی مناطق آزاد باید همزمان مانع خروج دانشجو از کشور و زمینه‌ساز ورود دانشجوی بین‌المللی باشند.

مقدم‌زاده ضمن ترسیم افق آینده توسعه ارس در چهار محور صنعت، کشاورزی، لجستیک و انرژی‌های پاک گفت: ارس با ۲۵۰ واحد صنعتی فعال و ۱۷۰ واحد در حال احداث، صنعتی‌ترین منطقه آزاد کشور است و به‌زودی با اجرای طرح‌های ۵۰۰ مگاواتی به قطب انرژی‌های پاک شمال‌غرب ایران تبدیل خواهد شد.

وی همچنین با اشاره به ظرفیت بالای صندوق پژوهش و فناوری ارس، خواستار معرفی رسمی آن به عنوان صندوق پژوهش و فناوری مناطق آزاد کشور و تخصیص منابع ۲۰۰ میلیارد تومانی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان سراسر کشور شد. سفر کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس به منطقه آزاد ارس، نقطه عطفی در سیاست‌گذاری علمی و فناورانه این منطقه محسوب می‌شود، با ساخت هنرستان‌های تخصصی، احیای پردیس علوم پزشکی ارس، ایجاد دانشگاه فرهنگیان و ارتقای صندوق پژوهش و فناوری به سطح ملی، مسیر جدیدی برای شکوفایی علمی، اقتصادی و بین‌المللی ارس ترسیم شده است.



ظرفیت‌های اقتصادی ارس، افزود: باید رشته‌هایی در دانشگاه‌های منطقه ارائه شوند که با صنعت، کشاورزی و نیازهای واقعی ارس هم‌راستا باشند و از سوی دیگر راهکارهایی برای جذب دانشجویان خارجی نیز در دستور کار قرار گیرد.

منادی: صندوق پژوهش و فناوری ارس با تزریق ۲۰۰ میلیارد تومان به سطح ملی ارتقا می‌یابد

علیرضا منادی، رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی، در ادامه این نشست از تصمیمی کلان برای ارتقای صندوق پژوهش و فناوری منطقه آزاد ارس به صندوق پژوهش و فناوری مناطق آزاد کشور خبر داد و گفت: با تزریق ۲۰۰ میلیارد تومان از سوی مجلس، صندوق پژوهش و فناوری ارس تقویت و با سرمایه‌ای بالغ بر ۲۲۰ میلیارد تومان به تمام مناطق آزاد کشور خدمات خواهد داد.

وی با اشاره به وجود ۱۸ شرکت دانش‌بنیان فعال در منطقه آزاد ارس و ۴۰ شرکت فناور و خلاق زیرمجموعه مرکز رشد ارس، افزود: این منطقه به دلیل دسترسی آسان به بازارهای جهانی و برخورداری از مزیت‌های اقتصادی، به مقصدی مطلوب برای شرکت‌های دانش‌بنیان تبدیل شده است.

منادی همچنین از تصویب احداث هنرستان همجوار

در کارگروه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان مطرح شد؛

چالش تأمین مالی نوسازی شهرک‌های صنعتی

طرح نو؛ گروه خبر
دومین جلسه کارگروه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان آذربایجان شرقی با محوریت بررسی «تخصیص یک درصد مالیات بر ارزش افزوده به شهرک‌های صنعتی» با حضور نمایندگان بخش خصوصی و دولتی در اتاق بازرگانی تبریز برگزار شد.

یونس اکبرپور پایدار، رئیس کمیسیون صنایع و انرژی اتاق بازرگانی تبریز، با تأکید بر لزوم بررسی دقیق ابعاد حقوقی و اجرایی پیشنهاد اختصاص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده به شهرک‌های صنعتی گفت: باید مشخص کنیم چگونه می‌توان با استناد به قوانین و مستندات موجود، موضوع را به‌طور مؤثر در شورای گفت‌وگوی ملی برگزار مطرح کرد. ضروری است نمایندگان از استان در آن شورا حضور یافته و از پیشنهاد دفاع کنند؛ بنابراین لازم است نحوه طرح موضوع با دقت و انسجام تنظیم شود تا به نتیجه مطلوب برسیم.

اکبرپور پایدار با اشاره به پرداخت عوارض به شهرداری‌ها گفت: واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی علی‌رغم اینکه عوارض به شهرداری‌ها پرداخت می‌کنند، اما شهرداری هیچ‌گونه خدماتی به شهرک‌های صنعتی ارائه نمی‌دهد.

وی تأکید کرد: خدمات مورد نظر صرفاً مربوط به واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی است؛ بنابراین در صورت طرح ملی موضوع، باید نحوه بیان پیشنهاد به‌گونه‌ای باشد که مالیات بر ارزش افزوده صرفاً به شهرک‌های صنعتی اختصاص یابد و سازوکار تفکیک مبلغ پرداختی برای این واحدها به‌صورت شفاف تعیین شود.

ضرورت اختصاص یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده به نوسازی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی

خداوردی تاری، مدیرعامل شهرک صنعتی سرمایه‌گذاری خارجی، با تأکید بر فرسودگی تدریجی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی گفت: شبکه آب، فاضلاب، برق، مخابرات، خیابان‌ها و ساختمان‌های اداری و خدماتی شهرک‌ها نیازمند بازسازی و نوسازی فوری هستند. بی‌توجهی به این زیرساخت‌ها می‌تواند خساراتی جدی به شهرک‌های صنعتی و در نتیجه به ثروت ملی وارد کند.

تاری با اشاره به وضعیت مالیات بر ارزش افزوده گفت: حق شارژ واحدهای صنعتی بدون لحاظ ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده دریافت می‌شود و هیچ سودی برای شهرک‌ها ندارد. در گذشته، سه درصد از درآمدها به بازسازی اختصاص داشت، اما این میزان با پیگیری‌های اتاق بازرگانی ایران به یک درصد از کل درآمد افزایش یافت. این اصلاح پس از مخالفت‌های اولیه شورای نگهبان و مجلس، با ارائه توضیحات درباره نقش حیاتی شهرک‌های صنعتی در اقتصاد کشور به تصویب رسید.

وی در جمع‌بندی سخنان خود پیشنهاد کرد: موضوع به‌صورت رسمی با عنوان اختصاص یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده دریافتی از واحدهای صنعتی به شهرک‌های صنعتی برای رسیدگی به زیرساخت‌ها، کمریند فضای سبز، شبکه آب و فاضلاب و نوسازی شهرک‌ها در شورای گفت‌وگوی ملی دولت و بخش خصوصی مطرح شود.

اختصاص سهمی از مالیات بر ارزش افزوده تنها راه نوسازی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی است

رحیم بابایی، معاون توسعه مدیریت شرکت شهرک‌های صنعتی آذربایجان شرقی، با اشاره به وضعیت بحرانی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی گفت: در حال حاضر مالیاتی که برای نگهداری شهرک‌ها هزینه می‌شود بازدهی مطلوبی ندارد و مدیریت آن‌ها اغلب به‌صورت روزمره و بدون امکانات کافی انجام می‌شود.

بابایی میزان اعتبار مورد نیاز برای نوسازی شهرک صنعتی سلیمی را حدود ۶۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود وضعیت مشابهی در سایر شهرک‌های صنعتی استان نیز مشاهده می‌شود. وی تأکید کرد که در گذشته تصفیه‌خانه شهرک سلیمی به حدی استاندارد بود که آب خروجی آن قابل شرب بود، اما اکنون به دلیل نگهداری نامناسب، کارایی خود را از دست داده است.

وی با اشاره به محدودیت‌های قانونی شهرداری‌ها گفت: مطابق بند ۷ اساسنامه شرکت شهرک‌های صنعتی، شهرک‌ها از شمول قانون شهرداری‌ها مستثنی هستند و شهرداری‌ها وظیفه‌ای در قبال ارائه خدمات در محدوده شهرک‌های صنعتی ندارند. بنابراین، اتکا به شهرداری‌ها راه‌حل مؤثری نیست و باید به‌صورت غیرمستقیم سهمی از درآمد آن‌ها یا از سهم دولت در مالیات بر ارزش افزوده به این بخش اختصاص یابد.

وی در پایان پیشنهاد داد: ابتدا باید میزان کل مالیات بر ارزش افزوده پرداختی توسط واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها محاسبه شود و سپس یک درصد از آن به شهرک‌های صنعتی بازگردانده شود. این روش منطقی و قابل دفاع است و می‌تواند در سطح ملی به تصویب برسد.

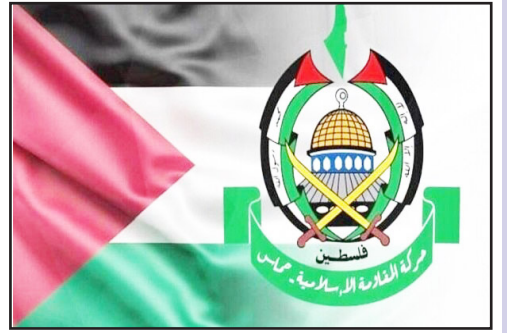
افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به بهانه حمایت از شهرک‌ها راه‌حل درستی نیست

اصغر ایمان‌زاده، رئیس اداره درآمد امور مالیاتی آذربایجان شرقی، با اشاره به سازوکار قانونی مالیات بر ارزش افزوده گفت: در موارد مشابه، مانند موضوع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و سهم سلامت، زمانی که پیشنهاد اختصاص یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده مطرح شد، به‌جای برداشت از سهم موجود، یک درصد به کل نرخ مالیات افزوده اضافه گردید؛ به‌طوری که نرخ از ۹ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافت.

سرمقاله

پیروزی حماس در آینه تحلیل‌های اسرائیلی؛

بازدارندگی «تل آویو» فروریخت؟



طرح نو؛ سردبیر

در دوران جنگ‌های سخت، روایت‌ها اهمیت کمتری از واقعیت‌های میدانی ندارند. در حالی که افکار عمومی و محافل سیاسی در ایران همچنان مشغول کشمکش بر سر این پرسش هستند که آیا جنبش مقاومت فلسطین (حماس) در نبرد اخیر با رژیم صهیونیستی پیروز شد یا بازنده، شاید نگاهی به نوشته‌ها و تحلیل‌های خود تحلیلگران یهودی و اسرائیلی بتواند افق دید دقیق‌تر و عینی‌تری از نتیجه این جنگ ارائه دهد. این تحلیل‌ها، که عموماً در فضای یأس و حیرت نگاشته شده‌اند، بر این باورند که با وجود متحمل شدن هزینه‌های انسانی هنگفت، این مقاومت فلسطین بود که توانست قواعد بازی را تغییر داده و تعریف جدیدی از مفهوم بازدارندگی را به منطقه دیکته کند.

صدای منتقد از دل «معاریو»

برای درک عمیق این شکست روانی و راهبردی، به نوشته‌های تحلیلگران اسرائیلی رجوع می‌کنیم. «آوی اشکنازی»، نویسنده و تحلیلگر زبده امور نظامی در روزنامه عبری‌زبان معاریو، در مقاله‌ای تکان‌دهنده، جنگ اخیر را نه یک شکست تاکتیکی، بلکه یک فروپاشی سیستمی توصیف می‌کند.

به گفته او، جنگی که توسط مقامات اسرائیلی به عنوان «سخت‌ترین نبرد تاریخ اسرائیل» توصیف شد، در عمل نشان داد ارتشی که زمانی در منطقه شکست‌ناپذیر پنداشته می‌شد، امروز توازن، آگاهی و برتری خود را در برابر حریفی کوچک از نظر اندازه جغرافیایی اما بزرگ از نظر اراده، برنامه و ساختار از دست داده است.

اشکنازی پا را فراتر می‌گذارد و تأکید می‌کند که شکست اسرائیل از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز نشد، بلکه سال‌ها پیش رقم خورد؛ زمانی که رهبران مقاومت در غزه به این درک راهبردی رسیدند که صرف ماندگاری و پایداری در برابر ماشین جنگی صهیونیستی، خود یک پیروزی راهبردی و بزرگ محسوب می‌شود. او این رویداد را «نخستین پیروزی حماس بر اسرائیل پیش از آغاز نبرد بزرگ» توصیف می‌کند.

فروپاشی افسانه بازدارندگی

اشکنازی در ادامه تحلیل خود می‌افزاید: «از همان لحظه آغاز عملیات طوفان الاقصی، آنچه رخ داد دیگر صرفاً یک رخنه امنیتی یا نظامی نبود، بلکه فروپاشی کامل و مطلق نظام بازدارندگی‌ای بود که تل آویو سال‌ها با هزینه‌های گزاف به آن می‌بالید و آن را حفظ می‌کرد.»

به تأکید او، شوک عظیمی که اسرائیلی‌ها باامداد آن روز تجربه کردند، نتیجه مستقیم سال‌ها غرور بی‌جای سیاسی و اطلاعاتی بود؛ غروری که در آن، رهبران در تل آویو گمان می‌کردند حماس را «رام» و «مهیار» کرده‌اند و کنترل کامل بر نوار غزه در دست آن‌هاست. این غرور، منجر به نادیده گرفتن تدریجی تهدید و در نهایت، غافلگیری راهبردی شد.

تحول حماس؛ از جنبش تا نیرویی سازمان‌یافته

تحلیلگران اسرائیلی اعتراف می‌کنند که حماس، پس از جنگ‌های پیشین به‌ویژه جنگ ۲۰۱۴، توانست در یک سکوت و آرامش مطلق، به بازسازی و ایجاد یک ساختار نظامی پیشرفته بپردازد. اشکنازی توضیح می‌دهد که این حرکت با الهام‌گیری از تجربه موفق حزب‌الله در لبنان صورت گرفته و حماس را از یک جنبش مقاومتی پراکنده به یک «ارتش سازمان‌یافته» تبدیل کرده است.

ساختار جدید حماس شامل: ساماندهی فرماندهی و کنترل مؤثر، شبکه اطلاعاتی موازی، توسعه گسترده سامانه زیرزمینی تونل‌ها (مترو غزه)، توسعه توان آتش گسترده و دقیق و قابلیت انتقال نبرد به عمق سرزمین‌های اشغالی.

این وضعیت یادآور شکست‌های پیشین رژیم اسرائیل است. رژیمی که سال‌ها خود را با روایت قدرت بی‌حد و مرز فریب داده، اکنون همان خطای راهبردی را تکرار می‌کند که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (جنگ یوم کپور) مرتکب شد.

به نظر می‌رسد رهبران جنایتکار تل آویو همچنان داستان قدرت خارق‌العاده خود را باور دارند، در حالی که واقعیت میدانی و اظهارات خود تحلیلگران نشان می‌دهد که «لباس امپراتور» قدرت، چیزی جز توهم نیست.

پیروزی حماس نه تنها در میدان‌های سخت نبرد و بقای فرماندهی آن پس از ماه‌ها حملات بی‌امان، بلکه در ذهن و روان اسرائیلی‌ها رقم خورده است. جامعه اسرائیل امروز در وضعیتی از ترس دائمی، تردید در مورد آینده، و شکاف داخلی بی‌سابقه به سر می‌برد. این بحران هویتی و امنیتی، بزرگترین دستاورد مقاومت است؛ چرا که بقا و توانایی تحمل هزینه، بزرگترین بازدارندگی را ایجاد کرده و ثابت کرده است که هزینه اشغال و تجاوز، بسیار سنگین‌تر از آن چیزی است که تل آویو تا کنون تصور می‌کرد.

سقوط آرام «هاکان فیدان»

طرح نو؛ ابوالفضل اجلی

هاکان فیدان، وزیر خارجه‌ای که خود در مرکز رقابت‌ها و بازی‌های قدرت درون‌حزبی دوران پس‌آردوغان جای دارد(۱) اخیراً درباره‌ی مسدود شدن صادرات موتورهای جنگنده‌های کالان(۲) توسط آمریکا سخنانی جنجالی ایراد کرده؛ اکنون سؤال این است که آیا این اظهار نظر صرفاً تحلیل فنی بوده یا تلاشی هوشمندانه برای فشار بر شبکه خانوادگی اردوغان و رقبای درون‌حزبی؟ برخی تحلیلگران، همین سخنان ظاهراً فنی او را به‌عنوان نشانه‌ای از تضعیف عمدی رقبای از جمله سلجوق بایراکتار، داماد اردوغان و مالک یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنایع دفاعی، تفسیر کرده‌اند.(۳)

دولت حزب عدالت و توسعه، اردوغان و خانواده‌اش سال‌هاست بر طبل بومی‌سازی و بومی بودن صنایع دفاعی کوبیده(۴) و از آن بهره‌ی حداکثری برده‌اند. (۵) حالا، حرف‌های فیدان، ناخوسته یا عمدی، همان تبلیغات دیرینه اردوغان را به طور کامل در معرض تردید و سوال قرار داده است.

فیدان، که سابقاً رئیس سازمان اطلاعات ترکیه بود و امروز وزیر امور خارجه، هرگز یک دیپلمات عادی نبوده است. او همواره بازیگری استراتژیک بوده که سعی کرده از موقعیت‌های خود برای ساختن پایه‌های قدرت شخصی استفاده کند. همان‌طور که اردوغان خود در دهه ۲۰۰۰ این کار را کرد.

اما تفاوت در همین جاست: اردوغان روزگاری بر موج یک جنبش سیاسی-اقتصادی فراگیر و با پشتیبانی غرب به قدرت رسید؛ اما فیدان در سایه‌ی رژیم عمل می‌کند که دیگر به دنبال گسترش نیست و دغدغه‌اش، حفاظت از میراث برجمانده است. اردوغان امروز در جستجوی رقیبی تازه نیست، او مشغول پاکسازی نهایی میدانی رقبای درون خانوادگی‌اش است تا مبادا کسی بر سر راه انتقال قدرت به پسرش بلال، یا دامادش سلجوق، سنگ اندازی کند. در این معادله، فیدان با همه‌ی تجربه و شبکه اطلاعاتی گسترده‌اش، نه یک جاننشین بالقوه، بلکه تهدیدی به‌شمار می‌آید؛ به ویژه آن رو که توانسته ساختار وزارت خارجه را به یک نهاد نیمه‌اطلاعاتی موازی بدل کند و حتی به حریم حساس صنایع دفاعی نیز قدم بگذارد.

انتقال فیدان از MIT به وزارت امور خارجه در سال ۲۰۲۳، در واقع اولین گام در فرآیند کنارگذاری او بود. (۶) این اقدام استراتژی هوشمندانه‌ای بود تا با کاهش دسترسی‌اش به اطلاعات حساس و محدود کردن تأثیرش آغازی بر پایان قدرت اوج گرفته او باشد. جایگزینی او با ابراهیم کالین، یکی دیگر از وفادارترین چهره‌های اردوغان و رقیب دیرینه‌ی فیدان، این

استراتژی را تکمیل کرد. از آن زمان، کشمکش میان این دو، هرچند برای عموم نامرئی، در لایه‌های عمیق قدرت، شدت گرفت. ادعاهای گزارش‌های کالین به اردوغان درباره‌ی فعالیت‌های مالی و شبکه‌های پنهان فیدان، از جمله ارتباطاتش با گروه‌هایی مانند جان هولدینگ، زمینه‌ی لازم برای ضربه‌ی نهایی را فراهم کرد.

عملیات اخیر علیه جان هلدینگ(۷)، هابرتک و شو تی‌وی(۸) در ظاهر علیه یک گروه رسانه‌ای بود، اما در باطن، هدف اصلی، قطع یا ضربه به زنجیره‌ی ارتباطی فیدان با شبکه‌های نفوذ خارج از کنترل رئیس‌جمهوری بود. جالب اینجاست که این عملیات، در حالی انجام شد که بلال اردوغان که خود بصورت غیر مستقیم و از طریق افرادی چون فاتح ساراج با جان هلدینگ روابط عمیقی داشت، ناتوان از جلوگیری از عملیاتی علیه این گروه بود. این نشان می‌دهد که حتی بلال، در سلسله مراتب قدرت فعلی، هنوز به آن سطح از اختیار نرسیده که بتواند در برابر تصمیمات نهایی پدرش مقاومت کند. اردوغان با وجود ظاهر حمایت از پسرش، هنوز کنترل کامل را در دست دارد و هر حرکتی که به‌نظر می‌رسد به نفع بلال باشد، در واقع بخشی از برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای تثبیت ارث سیاسی است.

در این میان، فیدان با اظهارنظرش درباره‌ی موتورهای جنگنده کالان، ناخوسته یا شاید با آگاهی، به اردوغان بهانه‌ای داد تا او را به‌عنوان فردی که منافع حزبی و امنیت ملی را به خطر می‌اندازد، ببیند. این دقیقاً همان تکنیکی است که اردوغان سال‌هاست از آن استفاده می‌کند: ابتدا رقیب را به موقعیتی سوق می‌دهد که خودش زمین بخورد، سپس با بهانه‌ای قانونی یا امنیتی، او را از صحنه حذف می‌کند. فیدان، با اینکه خزانه‌ی اسرار تلقی می‌شود، در این بازی، دیگر نمی‌تواند از اطلاعاتش به‌عنوان سپر استفاده کند. چرا که در ترکیه‌ی امروز، قانون و اطلاعات، هر دو ابزاری در دستان یک نفر هستند.

آنچه امروز در ترکیه در حال شکل‌گیری است، نه یک جانشینی سالم، بلکه یک انتقال موروثی قدرت است. الگویی که بیشتر به نظام‌های خانوادگی خاورمیانه شبیه است تا جمهوری‌ی دموکراتیک. اردوغان، با کنار گذاشتن سویلو، آکار و اکنون فیدان، در حال پاکسازی محیطی است که در آن هیچ رقیبی برای بلال یا دامادش باقی نماند. این فرآیند، با ظاهری آرام، در باطن خود خشونت‌ی تمام‌عیار را پیش می‌برد؛ خشونت‌ی که نه با شمشیر، که با تیغ تیز سکوت، حذف از عرصه عمومی و نابودی در ورطه فراموشی عمل می‌کند. افول احتمالی فیدان تنها پیامدی درون سیاسی ندارد؛ احتمالاً سیاست خارجی ترکیه در چند جبهه حساس

مستقیماً از غیبت او تأثیر خواهد گرفت. فیدان در پرونده سوریه، کانال اصلی ارتباط با مسکو و تهران بود و نقش تعیین‌کننده در توازن شکننده ادلب و روند آستانه داشت. کنار رفتن او، وزن جناح نظامی-امنیتی نزدیک به کالین و حلقه ریاست‌جمهوری را در سیاست سوریه افزایش می‌دهد؛ جناحی که نگاهش به دمشق و ایدئولوژیک‌تر است. در قفقاز نیز، فیدان از چهره‌های متمایل به همکاری تاکتیکی با ایران و روسیه بود، در حالی که تیم کالین گرایش بیشتری به همسویی با غرب دارد. در نتیجه، حذف او می‌تواند جهت‌گیری آنکارا را از سیاست موازنه‌گرایی به سمت سیاست بلوکی‌تر و پرسیک‌تر سوق دهد. با در نظر گرفتن این تأثیرات گسترده، روشن می‌شود که اردوغان حتی با ریسک برخی تغییر جهت‌ها در سیاست خارجی و پذیرش ریسک‌های منطقی‌ای احتمالی، مصمم به پیشبرد برنامه اصلی خود است. برنامه‌ای که محور آن، انتقال قدرت به پسر یا دامادش است. او برای این هدف برنامه‌ریزی کرده و در حال اجرای آن است. او رقبای راه مهندسی و تضعیف کرده و دستگاه بوروکراسی و سیاست را متناسب با این هدف شکل داده است. این روند ادامه دارد و اگر عامل جدید و قدرتمندی ظهور نکند، ترکیه به سمت نظام موروثی دموکراتیک‌پش خواهد رفت.

پی‌نوشت‌ها:

- [۱] <https://halktv.com.tr/makale/erdogandan-sonra-akp-dagilir>
- [۲] <https://haber.sol.org.tr/haber/iktidarda-kaan-catlagi-fidan-amerikan-motoru-lazim-dedi-gorgun-yerli-motor-yolda-yanitini>
- [۳] <https://www.youtube.com/watch?v=sT1enOIh8>
- [۴] <https://www.aa.com.tr/tr/savunma-sanayisi/savunma-sanayii-baskani-gorgunden-celik-kubbe-2297223/deglerlendirilmesi>
- [۵] <https://x.com/trthaber/status/1950950330924609283>
- [۶] <https://www.bbc.com/turkce/articles/cl4dj47jpd>
- [۷] <https://www.bbc.com/turkce/articles/cevz1ekwT7r0>
- [۸] <https://tr.euronews.com/show-tv-ve-/1/0/9/2025/com-haberturk-dahil-can-holdingin-bazi-sirketlerine-el-konuldu>

گزارش

بازخوانی نفوذ استعماری و توان نظامی ایران از منظر ژنرال الکسی یرمولوف؛

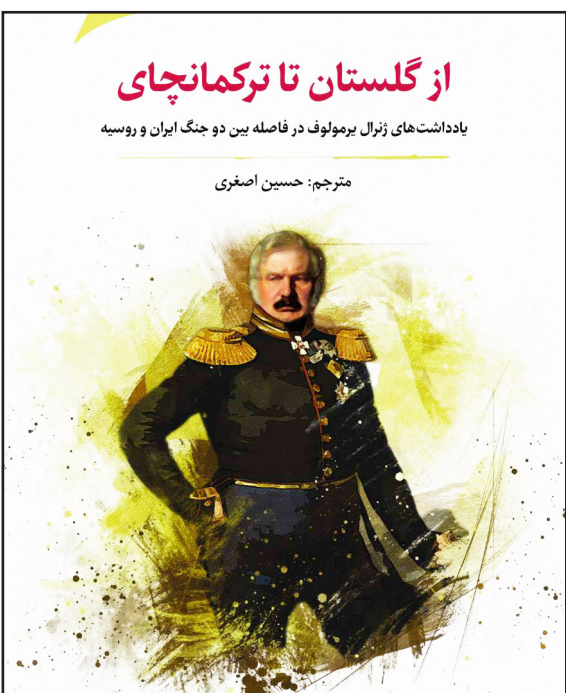
تاملی بر کتاب؛ «از گلستان تا ترکمانچای»

بر آسیای مرکزی و هند در جریان داشتند. دربار قاجار به میدان نبرد دیپلماتیک این دو قدرت تبدیل شده بود. ژنرال روس آشکارا، مانع اصلی توسعه نفوذ روسیه در ایران را تلاش‌های سازمان‌یافته دولت بریتانیا می‌داند.

انگلستان که نمی‌خواست روسیه به نزدیکی هندوستان دست یابد، با تمام قوا مانع نزدیکی ایران به روسیه می‌شد. نقش مخرب کمپانی هند شرقی و ریخت و پاش مالی انگلیسی‌ها در دربار، محوری‌ترین نکته‌ای است که یرمولوف با عصبانیت به آن اشاره می‌کند. نقل قول کلیدی او گویای عمق این توطئه‌هاست:

«در این میان انگلستان از همه توان خود برای مقابله با نفوذ قدرت ما در این کشور استفاده می‌کند پولی که آنها در دربار و تمام نزدیکان شاه و وارث او ریخت و پاش می‌کنند هرگز اجازه نزدیکی صمیمانه ایران به روسیه را نخواهد داد. هرگز»

این بخش‌ها نه تنها نقش مخرب بریتانیا را برجسته می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چرا تلاش‌های اصلاح‌طلبانه عباس میرزا، که غالباً با کمک مستشاران انگلیسی یا فرانسوی انجام می‌شد، در نهایت نتوانست در برابر دسیسه‌های مالی و سیاسی روسیه و انگلستان تاب بیاورد. هرگونه کمک خارجی در ایران، به واسطه منافع قدرت‌های بزرگ، با هدفی دوگانه و مخرب همراه بود.



کوتاهی ایران می‌تواند پیاده نظامی داشته باشد که بهترین‌های اروپا برابری کند...»

این اعترافات، دلالت بر این دارد که ضعف ایران، نه در پتانسیل نظامی، بلکه در بی‌کفایتی سیاسی و ساختار استبدادی بود که نتوانست این پتانسیل را به شکل مؤثر در میدان‌های نبرد به کار گیرد.

نفوذ ویرانگر انگلستان

یرمولوف به خوبی درک کرده بود که جنگ‌های ایران و روسیه، تنها بخشی از یک «بازی بزرگ» است که انگلستان و روسیه برای تسلط

– صداقت بی‌واسطه: یرمولوف به‌عنوان یک مقام روس، در نگارش یادداشت‌های داخلی خود نیازی به تعارف یا تحریف تاریخ به نفع ایران نداشته است. بنابراین، تحلیل‌های او از توانایی‌ها و ضعف‌های ایران، احتمالاً نزدیک‌ترین تصویر به واقعیت از نگاه دشمن است.

– دوره حساس تاریخی: یادداشت‌ها دقیقاً فاصله بین دو جنگ (۱۸۱۴ تا ۱۸۲۶) را پوشش می‌دهند؛ دوره‌ای که ایران تحت رهبری عباس میرزا تلاش می‌کرد تا ارتش خود را مدرن‌سازی کند. این یادداشت‌ها، سندی هستند بر این تلاش‌های جدی ایران در آستانه نبرد دوم.

اعتراف به پتانسیل نظامی ایران

بر خلاف تصویری که از شکست مطلق نظامی ایران در اذهان عمومی شکل گرفته است، یرمولوف در یادداشت‌هایش به شکلی حیرت‌انگیز به پتانسیل و پیشرفت‌های نظامی ایران اعتراف می‌کند. این بخش از کتاب، شاید مهم‌ترین برده‌برداری تاریخی باشد و نشان می‌دهد که عوامل شکست ایران، فراتر از میدان جنگ بوده است. ژنرال روس، نیروهای تحت فرمان عباس میرزا را منظم و سازماندهی شده می‌داند و با دقت به پیشرفت‌های صنعتی ایران اشاره می‌کند:

«نیروهای ایران منظم هستند و به خوبی سازماندهی می‌شوند توپخانه از نظم عالی برخوردار است و به وضوح در حال افزایش است آنها یک کارخانه ذوب و ریخته‌گری مناسب و یک کارخانه اسلحه‌سازی دارند قلعه‌هایشان بر اساس الگوی قلعه‌های اروپایی ساخته می‌شود و با استخراج سنگ آهن هم‌اکنون مقادیر زیادی مس، سرب و آهن دارند...»

او فراتر می‌رود و توانایی ایران در بسیج نیرو از میان کوچ‌نشین‌ها و عشایر را تحسین می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند که ایران به‌راحتی می‌تواند در مدت کوتاهی پیاده‌نظامی هم‌تراز با بهترین نیروهای اروپایی داشته باشد:

«...حرکات غیر معمول سریع برایشان راحت است و در مدت

طرح نو، سردبیر

تاریخ ایران در دوره قاجار، مملو از تقابل‌های تلخ با قدرت‌های استعماری شرق و غرب است. در شمال، خطر روسیه تزاری، کابوسی دائمی برای سلطنت فتحعلی شاه بود. دو جنگ خانمان‌سوز ایران و روسیه (۱۸۰۴-۱۸۱۳م و ۱۸۲۶-۱۸۲۸م) به ترتیب به دو فاجعه ملی انجامید: قرارداد گلستان (۱۸۱۳) که بخش‌های مهمی از قفقاز شمالی، گرجستان و داغستان را جدا کرد، و قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸) که علاوه بر جدا کردن ایروان و نخجوان، حق کشیداری ایران در دریای خزر را محدود و امتیازات کاپیتولاسیون را به ایران تحمیل کرد. این دو پیمان، نه تنها مرزها را تغییر دادند، بلکه مسیر توسعه و هویت‌بخشی ملی در ایران را برای یک قرن مختل ساختند. در طول سال‌ها، پژوهشگران ایرانی کوشیده‌اند تا ابعاد این فاجعه را واکاوی کنند و نشان دهند که چگونه ضعف ساختاری حکومت، ناتوانی دیپلماسی و عقب‌ماندگی تکنولوژیک به این شکست‌های پی در پی منجر شد. با این حال، مطالعه تاریخ از منظر فاتحان، همواره تصویری متفاوت و بعضاً متناقض را به دست می‌دهد. کتاب «از گلستان تا ترکمانچای» دقیقاً همین نقش را ایفا می‌کند.

ژنرال یرمولوف؛ جاسوس، فرمانده، تاریخ‌نگار

«از گلستان تا ترکمانچای» حاوی یادداشت‌های محرمانه ژنرال الکسی پتروویچ یرمولوف (۱۷۷۷-۱۸۶۱)، یکی از قدرتمندترین و بی‌رحم‌ترین فرماندهان ارتش تزاری در قفقاز است. یرمولوف در فاصله میان دو جنگ، عملاً حاکم مطلق سرزمین‌های تازه تصرف‌شده بود و ارتباطات دیپلماتیک و نظامی روسیه با دربار قاجار را مدیریت می‌کرد. این کتاب، شامل گزارش‌های او به مقامات عالی‌رتبه روسیه، تحلیل‌های نظامی و سیاسی وی از وضعیت ایران، و مشاهدات مستقیمش از دربار فتحعلی شاه و ولیعهد اصلاح‌طلب او، عباس میرزا است.

اهمیت این یادداشت‌ها در چند نکته کلیدی نهفته است:

با حضور در تورنمنت چهار جانبه دبی؛

حریف بزرگ ایران در فیفا دی، آبان: محمد صلاح!



حضور خواهند داشت: کپ ورد، ایران و ازبکستان. طبق برنامه، تیم ملی مصر تنها در دو بازی مقابل دو تیم از این سه حریف شرکت‌کننده به میدان خواهد رفت.

این تورنمنت پس از برگزاری سوپرکاپ مصر در امارات برگزار می‌شود؛ مسابقه‌ای که قرار است از ۶ تا ۹ نوامبر میان چهار تیم الاهلی، الزمالک، پیرامیدز و سیرامیکا کلیوپاترا انجام شود.

تیم ملی مصر روز چهارشنبه توانست با پیروزی برابر جیبوتی، برای چهارمین بار در تاریخ خود به جام جهانی راه یابد. آخرین دیدار این تیم در مرحله مقدماتی جام جهانی، روز یکشنبه آینده در ورزشگاه بین‌المللی قاهره برابر گینه بیسائو برگزار خواهد شد.

بدون شک حضور ستاره‌هایی مانند محمد صلاح، محمد ترزگه، عمر مرموش و... در ترکیب مصر و تقابل احتمالی با تیم ملی ایران می‌تواند جذاب باشد. با این حال و طبق اظهارات ممبینی، باید مشخص شود که ایران در بازی نخست ابتدا به مصاف مصر خواهد رفت یا کپ ورد.

تیم ملی مصر خود را برای حضور در جام ملت‌های آفریقا ۲۰۲۵ که از ۲۱ دسامبر ۲۰۲۵ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۲۶ در مراکش برگزار خواهد شد، آماده می‌کند. مصر در این رقابت‌ها در گروه دوم قرار دارد و با تیم‌های انگولا، آفریقای جنوبی و زیمبابوه هم‌گروه است.

لازم به ذکر است که تیم ملی کپ ورد با ۲۰ امتیاز و بالاتر از کامرون، در صدر جدول گروه D مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ قرار دارد و به احتمال بسیار زیاد روز دوشنبه با پیروزی برابر تیم قعرنشین اسواتینی، می‌تواند راهی جام جهانی شود.

دو تیم از آفریقا و دو تیم از آسیا برگزار می‌شود که هر چهار تیم واجد شرایط جام جهانی حاضر هستند. برنامه ریزی تورنمنت اینطور است که ما با یکی از تیم‌های آفریقایی بازی می‌کنیم و دیگر تیم آسیایی هم به مصاف دیگر تیم آفریقایی می‌رود. برنده‌ها به فینال می‌روند و بازنده‌ها دیدار رده بندی را برگزار می‌کنند.»

حالا خبر رسیده که به احتمال بسیار زیاد، تیم ملی ایران در فیفا دی بعدی به مصاف دو تیم از سه کشور مصر، ازبکستان و یا کپ‌ورد خواهد رفت. این خبری است که توسط سایت مصری اعلام شده است.

تیم ملی مصر در ماه نوامبر در یک تورنمنت دوستانه در امارات متحده عربی به میدان خواهد رفت. یک منبع آگاه به این رسانه گفته است که در این رقابت‌ها سه تیم

طرح‌تو؛ گروه ورزش رسانه والا کوره نوشته است که تیم ملی فوتبال ایران قرار است در ماه نوامبر آینده در یک تورنمنت دوستانه با حضور مصر، کپ ورد و ازبکستان شرکت کند.

در شرایطی که تیم ملی فوتبال ایران باید امروز در دیداری دوستانه به مصاف تیم ملی روسیه برود و پس از آن نیز با تانزانیا دیدار کند، به نظر می‌رسد که برنامه شاگردان قلعه‌نویی برای فیفا دی ماه نوامبر نیز مشخص شده است.

صبح امروز بود که هدایت ممبینی، دبیرکل فدراسیون فوتبال ایران گفت: «در حال برنامه ریزی برای آبان ماه هستیم که تقریباً کارهایش هم انجام شده و احتمالاً یک تورنمنت چهار جانبه در دبی داشته باشیم که با حضور

خبر

برگزاری همایش بزرگ شوی سواره کشوری دیزج خلیل

ورزش و جوانان استان و سایر مسئولین استانی و شهرستانی همراه بود. شرکت کنندگان در این همایش از استان های اصفهان، یزد، آذربایجان غربی، کردستان و شهرهای آذربایجان شرقی شرکت کرده و اسب های اصیل کردی، کرد و عرب و اسب اصیل عرب را به نمایش گذاشتند. این رقابت

هدف ترویج فرهنگ اسب دوانی و پرورش اسب اصیل ایرانی برگزار گردید. این رقابت مهیج و پرشور با شرکت بیش از ۶۰ اسب سوار و با استقبال بی نظیر مردم شهرستان شیبستر و دیزج خلیل و حومه باحضور بیش از ۵۰۰۰ نفر تماشاگر و با شور و هیجان خاصی و با حضور آقای قربانی معاون ورزشی اداره کل

طرح‌تو؛ یونس نهاری سومین همایش شوسواره کشوری دیزج خلیل هیجدهم مهرماه ماه به همت اداره ورزش و جوانان، دهیاری و شورای اسلامی دیزج خلیل و هیئت سواری شهرستان و آقای بهرام رسولی و با مشارکت خیرین محترم ورزشیار شهرستان برگزار شد. در این همایش که با

گزارش

یادداشت

شماره ۱۰ تیم ملی ایران در تسخیر اردبیلی‌ها



طرح‌تو؛ مریم دالائی قدیم تسلی بود که با الهام از دایی، نشان داد غیرت اردبیلی تنها در گذشته خلاصه نمی‌شود.

انکون، این رشته‌ی افتخار به امیرحسین حسین‌زاده رسیده است؛ پدیده‌ای جوان، خوش‌فکر و تکنیکی که آینده‌ی فوتبال ایران می‌تواند بر دوش او شکل بگیرد. حسین‌زاده نیز اهل اردبیل است، و حضورش با شماره ۱۰ در تیم ملی، بار دیگر یادآور این حقیقت شده که اردبیل همچنان یکی از کانون‌های مهم پرورش استعداد در فوتبال ایران است.

او با سرعت، جسارت و قدرت تصمیم‌گیری‌اش نشان داده که می‌تواند ادامه‌دهنده‌ی میراث طلایی شماره ۱۰ باشد.

در نگاه نمادین، شماره ۱۰ در فوتبال ایران حالا رنگ و بوی اردبیلی گرفته است. از علی دایی اسطوره‌ای تا کریم انصاری‌فرد حرفه‌ای و امیرحسین حسین‌زاده‌ی جوان، این عدد به روایت افتخاری تبدیل شده که نسل به نسل در میان فرزندان این شهر منتقل می‌شود. شاید بتوان گفت که در اردبیل، فوتبال فقط یک ورزش نیست؛ بخشی از هویت جمعی و غرور مردمی است که با تمام وجود، پرچم ایران را در ورزش بالا می‌برند.

اردبیلی‌ها شماره ۱۰ را نه صرفاً بر پیراهن که بر قلب خود دوخته‌اند؛ عددی که معنای تلاش، غیرت و عشق به وطن را یادآوری می‌کند.

امروز، هر بار که حسین‌زاده با این شماره در زمین ظاهر می‌شود، انعکاس قدم‌های علی دایی و کریم انصاری‌فرد در چمن شنیده می‌شود؛ صدایی از گذشته که آینده را صدا می‌زند.

در فوتبال، برخی شماره‌ها فراتر از یک عدد ساده‌اند؛ آن‌ها تبدیل به نماد، هویت و رؤیای می‌شوند. شماره ۱۰ بی‌تردید در رأس این فهرست قرار دارد.

عددی که بر دوش نواغ، رهبران و معماران بازی می‌نشیند. در فوتبال ایران نیز، این شماره‌ی پرشکوه داستانی ویژه دارد؛ داستانی که در بخش قابل‌توجهی از تاریخ اخیرش با نام و افتخار اردبیلی‌ها گره خورده است. خطه‌ی سردسیر اما گرم‌دل اردبیل، بارها به فوتبال ملی ستاره‌هایی هدیه داده که با تعصب و تلاش، نام ایران را در جهان بلندآوازه کرده‌اند.

آغاز این مسیر باشکوه به علی دایی برمی‌گردد؛ مردی که نه‌تنها در داخل زمین، بلکه در فرهنگ عمومی مردم ایران، به نماد پشتکار و اراده تبدیل شد. دایی با شماره ۱۰ در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شمسی، رکوردهای بی‌نظیری از خود به جا گذاشت. او سال‌ها کاپیتان تیم‌ملی بود، در جام جهانی‌ها و جام ملت‌های آسیا گل زنی کرده، و در نهایت با ۱۰۹ گل ملی، عنوان بهترین گل‌زن ملی تاریخ فوتبال جهان را از آن خود کرد؛ رکوردی که سال‌ها بعد تنها کریستیانو رونالدو توانست از آن عبور کند.

اما اردبیل تنها با علی دایی به پایان نرسید. پس از او، کریم انصاری‌فرد از همان سرزمین برخاست؛ بازیکنی متین، پرتلاش و هوشمند که مسیر اسطوره‌ی پیش از خود را با همان انگیزه ادامه داد.

ریم هم شماره ۱۰ تیم ملی را بر تن کرد و در سال‌های پس از دایی، در مسابقات مهمی چون جام جهانی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ توانست برای ایران گل زنی کند. او نماینده‌ی

چالش‌های بخشی زاده برای احیای تیم فوتبال مس سونگون

ندارم، ادامه داد: اولاً هیچ اطلاعی نداریم. دوماً کاملاً مخالف این اتفاق هستیم. سوماً اگر درخواستی مبنی بر این موضوع ارائه کنند قطعاً با آن مخالفت خواهیم کرد.

قبل از آغاز فصل موضوع واگذاری امتیاز از طرف سران باشگاه مس سونگون مطرح شده بود که به شدت با آن مخالفت کردیم. سیاست هیات فوتبال آذربایجان شرقی، صیانت از امتیازهای حال‌حاضر استان است.

درحالی که رسانه باشگاه مس در میان این جنجال‌ها سکوت کرده؛ حتی در صورت تمایل این باشگاه برای واگذاری امتیاز، رضایت اداره ورزش و هیات فوتبال آذربایجان شرقی شرط است. از قرار معلوم آنها به خارج شدن این سهمیه از استان راضی نخواهند بود و باید دید تا چه زمانی پای حرف‌شان می‌ایستند.

تداوم حضور بازیکن گمنام؟

یکی از محورهای اصلی انتقادات رسانه‌ها در فصل جاری عملکرد نقل‌انتقالاتی تیم فوتبال مس سونگون و عقد قرارداد با بازیکنی به نام فرزاد گنجعلو بوده و هست. فردی که رسانه‌ها ادعا می‌کنند ادمین صفحه یک فرد مشهور است. جالب است بدانید، این بازیکن درحالی به عضویت تیم فوتبال مس سونگون در آمده که بر خلاف سایر خریدهای تابستانی این تیم، از وی رونمایی رسمی صورت نگرفت.

باشگاه مس سونگون در واکنش اعتراض‌ها اعلام کرده که این بازیکن فاقد رزومه نیست و فصل گذشته در تیم مقاومت شهرداری تبریز حضور داشته است. با این حال این پرسش اساسی همچنان پابرجاست که بازیکنی که فصل گذشته در یک تیم دسته چهرامی بازی کرده و همراه با این تیم سقوط کرده است؛ چگونه یک شبه به یک تیم دسته یکی راه پیدا کرده است؟

باشگاه مقاومت شهرداری تبریز نیز با صدور بیانیه‌ای فوری در واکنش به این موضوع ضمن پذیرش اشتباه در جذب فرزاد گنجعلو، انتقال این بازیکن به مس سونگون و رزقان را غیر قابل توجیه دانست. نصیری اما در این باره گفت: این بازیکن ابتدا به ما مراجعه کرد و گفت که بهترین بازیکن هستم اما چون پارتی و پول



این ایده ناموفق بوده‌اند. مطرح شدن گاه‌وبی‌گاه این بحث اما بر بازیکنان و سایر عوامل این تیم تاثیرگذار هست و خواهد بود و بخشی‌زاده نیز از این غائله مستثنی نیست. سران باشگاه مس قبل از شروع فصل هم تصمیم بر عدم تیمداری و واگذاری امتیاز تیم فوتبال مس داشتند. با اینکه نظر نصیری بعد از فشار سنگین رسانه‌ها طی ۲۴ ساعت عوض شد؛ مدیرعامل مس سونگون بارها به برنامه‌اش مبنی بر واگذاری امتیاز تیم فوتبال مس برای اداره بهتر سایر رشته‌ها تاکید کرد.

۱۰ روز بعد از اینکه باشگاه مس، شایعه واگذاری امتیاز به پرسپولیس را تکذیب کرد؛ شایعه‌ای با عنوان واگذاری امتیاز تیم فوتبال مس سونگون به یک شخص متمول در اردبیل به میان آمد. اتفاقی که نه اداره ورزش آذربایجان شرقی از آن خبر داشت و نه هیات فوتبال. علی خاکزاد، دبیر هیات فوتبال آذربایجان شرقی درباره این شایعه به ایستا گفت: این موضوع را در فضای مجازی دیدم و هیچ‌کس از مسئولان این باشگاه با ما صحبتی انجام نداده و نامه کتبی یا شفاهی به ما ارائه نشده است.

خطر سقوط به رده پایین‌تر نجات داد. باید دید در صورت مخالفت همزمان تراکتور و نود، باشگاه مس سونگون چه برنامه‌ای برای ادامه بازی های خانگی خود در فصل جاری خواهد داشت. عدم توانایی میزبانی سونگونی‌ها در ادامه فصل ممکن است آنها را با تبعاتی سنگین از جمله کسر امتیاز یا حتی سقوط به رده پایین‌تر مواجه کند.

فروش امتیاز

سران باشگاه مس سونگون درحالی نیمکت تیم را به بخشی زاده سپردند که تا همین چند روز پیش تصمیم گرفته بودند امتیاز این تیم را به یک فرد متمول در استان اردبیل واگذار کنند. سران و مدیرعامل باشگاه مس سونگون معتقدند واگذاری امتیاز تیم فوتبال این باشگاه در اداره امور هرچه بهتر سایر رشته‌ها کمک‌کننده خواهد بود. آنها در طول فصل جاری بارها ایده واگذاری امتیاز این تیم را مطرح کرده‌اند که هر بار بنا به دلایلی در پیاده‌سازی

او ادامه داد: اولاً هیچ اطلاعی نداریم. دوماً کاملاً مخالف این اتفاق هستیم. سوماً اگر درخواستی مبنی بر این موضوع ارائه کنند قطعاً با آن مخالفت خواهیم کرد.

قبل از آغاز فصل موضوع واگذاری امتیاز از طرف سران باشگاه مس سونگون مطرح شده بود که به شدت با آن مخالفت کردیم. سیاست هیات فوتبال آذربایجان شرقی، صیانت از امتیازهای حال‌حاضر استان است.

درحالی که رسانه باشگاه مس در میان این جنجال‌ها سکوت کرده؛ حتی در صورت تمایل این باشگاه برای واگذاری امتیاز، رضایت اداره ورزش و هیات فوتبال آذربایجان شرقی شرط است. از قرار معلوم آنها به خارج شدن این سهمیه از استان راضی نخواهند بود و باید دید تا چه زمانی پای حرف‌شان می‌ایستند.

تداوم حضور بازیکن گمنام؟

یکی از محورهای اصلی انتقادات رسانه‌ها در فصل جاری عملکرد نقل‌انتقالاتی تیم فوتبال مس سونگون و عقد قرارداد با بازیکنی به نام فرزاد گنجعلو بوده و هست. فردی که رسانه‌ها ادعا می‌کنند ادمین صفحه یک فرد مشهور است. جالب است بدانید، این بازیکن درحالی به عضویت تیم فوتبال مس سونگون در آمده که بر خلاف سایر خریدهای تابستانی این تیم، از وی رونمایی رسمی صورت نگرفت.

باشگاه مس سونگون در واکنش اعتراض‌ها اعلام کرده که این بازیکن فاقد رزومه نیست و فصل گذشته در تیم مقاومت شهرداری تبریز حضور داشته است. با این حال این پرسش اساسی همچنان پابرجاست که بازیکنی که فصل گذشته در یک تیم دسته چهرامی بازی کرده و همراه با این تیم سقوط کرده است؛ چگونه یک شبه به یک تیم دسته یکی راه پیدا کرده است؟

باشگاه مقاومت شهرداری تبریز نیز با صدور بیانیه‌ای فوری در واکنش به این موضوع ضمن پذیرش اشتباه در جذب فرزاد گنجعلو، انتقال این بازیکن به مس سونگون و رزقان را غیر قابل توجیه دانست. نصیری اما در این باره گفت: این بازیکن ابتدا به ما مراجعه کرد و گفت که بهترین بازیکن هستم اما چون پارتی و پول

طرح‌تو؛ گروه ورزش تیم فوتبال مس سونگون در روزهای اخیر، از سرمربی جدیدش رونمایی کرد. علی ابراهیمیان رفت و مهدی بخشی‌زاده جانشینش شد. خوب یا بد، برد یا باخت؟! پاسخ فعلاً نامعلوم است. بخشی‌زاده در این دوران به سان یک مدیر بحران در شهری بحران‌زده خواهد بود. شهری درگیر سیل و طوفان و ویرانی. شهری با سرنوشت نامعلوم. باشگاه مس سونگون، نامی که در طول تاریخ همواره چشم‌ها را سوی فوئسال متمرکز کرده است؛ فوئسال که همان سمبل ماندگار و ویرتین این باشگاه است. تیمی که

حالا روز خوشی ندارد و به سان دکانی با ویرتین دردم است، چه رسد به فوتبال و سایر رشته‌ها. تیم فوتبال مس سونگون با گذشت هفت هفته از رقابت های لیگ دسته اول، یک تساوی و ۹ شکست به دست آورده و با احتساب کسر سه امتیاز از سوی فدراسیون، در قعر جدول رقابت‌ها برای بقا تلاش می‌کند.

بنا به این گزارش، آنها بعد از برکناری علی ابراهیمیان، از مهدی بخشی‌زاده به عنوان سرمربی جدید رونمایی کردند. نخستین نمایش مس تحت فرمان بخشی‌زاده فردا یکشنبه ۲۰ مهر در بندرعباس برابر پالایش نفت به روی صحنه خواهد رفت.

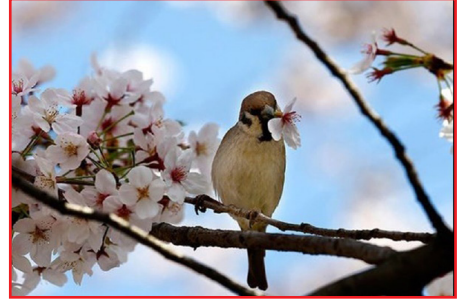
در این گزارش به چالش‌های پیش‌روی سرمربی جدید مسی‌ها پرداخته‌ایم که خواندن آن خالی از لطف نیست.

خانه به دوشی

سونگونی‌ها با گذشت هفت هفته از برگزاری رقابت‌های لیگ دسته اول، هنوز هم ورزشگاهی برای میزبانی از بازی های خانگی‌شان ندارد و احتمالاً این مساله در صدر سیهامه چالش‌های سرمربی جدید مس قرار بگیرد. آنها دو مرتبه در ارومیه و یک بار در کمپ تراکتور از رقبا میزبانی کرده‌اند و شرایط میزبانی در ادامه فصل هنوز هم مبهم است و احتمالاً آنها را با مشکل مواجه کند. همان طور که مخالفت نود ارومیه برای انجام بازی برابر مس کرمان منجر به سردرگمی‌شان شد و با وجود مخالفت شدید درآگان اسکوچیچ با برگزاری بازی در کمپ تراکتور، وساطت محمدرضا زونوزی لاله‌های نارنجی را از

شعر

سلامی چو بوی خوش آشنایی



سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم دیده روشنایی
درودی چو نور دل پارسایان
بدان شمع خلوتگه پارسایی
نمی بینم از همدان هیچ بر جای
دلخون شد از غصه، ساقی کجایی؟
ز کوی مغان رخ مگردان که آن جا
فروشند مفتاح مشکل گشایی
عروس جهان گرچه در حد حسن است
ز حد می برد شیوه بی وفایی
دل خسته من گرش همتی هست
نخواهد ز سنگین دلان مومیایی
می صوفی افکن کجا می فروشند؟
که در تابم از دست زهد ریایی
رفیقان چنان عهد صحبت شکستند
که گویی نبوده است خود آشنایی
مرا گر تو بگذاری ای نفس طامع
بسی پادشایی کنم در گدایی
بیاموزمست کیمیای سعادت
ز هم صحبت بد جدایی جدایی
مکن حافظ از جور دوران شکایت
چه دانی تو ای بنده، کار خدایی؟
«حافظ»

طرح نو؛ سردبیر

بیستم مهرماه، روزی که به نام حافظ شیرازی، لسان‌الغیب، مزین گشته است، فرصتی مغتنم برای تأمل در گستره نفوذ این شاعر بزرگ در فرهنگ و هویت ایرانی است. حافظ، با زبانی شیوا و کلامی نافذ، توانسته است مرزهای جغرافیا و زبان را درنوردد و در قلب تمامی اقوام ایرانی، از شیراز تا خراسان و از خلیج فارس تا آذربایجان، جای گیرد. اما در میان تمامی این دل‌بستگی‌ها، ارتباط آذربایجان با خواجه شمس‌الدین محمد، یک رابطه صرفاً ادبی نیست، بلکه یک پیوند عمیق فرهنگی و هویتی است که ریشه‌های تاریخی و عاطفی دارد و جلوه‌های آن در نام‌گذاری‌ها و ادبیات شفاهی مردم این دیار مشهود است.

حافظ و موقعیت تاریخی آذربایجان در قرن هشتم

درک جایگاه حافظ در آذربایجان نیازمند توجه به بستر تاریخی قرن هشتم هجری (دوره تیموری و پس از آن ایلخانیان) است. در آن زمان، آذربایجان، به ویژه تبریز، نه تنها یک مرکز تجاری و سیاسی، بلکه یک کانون درخشان علمی و ادبی بود. شخصیت‌هایی نظیر خاقانی شروانی، نظامی گنجوی و قطران تبریزی (با وجود زندگی در دوران‌های پیشین) و شاعران معاصر حافظ در آن منطقه، گواه بر این شکوه بودند. در فضای تبادل ادبی آن دوران، اشعار حافظ نیز به سرعت از شیراز به سایر نقاط ایران منتقل می‌شد. آذربایجان در زمان ایلخانان و سپس آل جلائر، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فلات ایران، مرکز توجه شعرا و اندیشمندان بود. غزل‌های پر مغز و عارفانه حافظ، که مملو از مضامین حکمت، عشق زمینی و آسمانی، و نقد اجتماعی بود، به سرعت با ذوق و سلیقه مردم آذربایجان که خود درگیر دگرگونی‌های شدید سیاسی و اجتماعی بودند، سازگار شد.

جایگاه لسان‌الغیب در خانه‌های آذربایجان

برای مردم آذربایجان، که این روزها ترکی آذری را

حافظ در آذربایجان؛ از نوای ارس تا روستای هم‌نام در آذربایجان شرقی



پرسدای ساریبانان بینی و بانگ جرس این غزل، برای مردم آذربایجان، سندی شاعرانه است که نشان می‌دهد حتی شاعر پارسی‌گوی بزرگ شیراز، روح و قلب خود را متوجه مرزهای شمالی ایران کرده است.

روستای «حافظ»: نماد عشق مردم به لسان‌الغیب

شاید هیچ نمادی گویاتر از نام‌گذاری یک مکان جغرافیایی توسط مردم محلی نباشد. در میان روستاهای آذربایجان شرقی، روستایی وجود دارد که نام آن را «حافظ» گذاشته‌اند. این روستا که در نزدیکی منطقه ترمکمانچای (جایی که قرارداد ننگینی میان ایران و روسیه تزاری بسته شد) در شهر کوچک قره‌چمن، کمی دورتر از جاده‌ی قدیمی تبریز به تهران واقع است، تجلی اوج احترام و عشق مردم به لسان‌الغیب است.

این نام‌گذاری، به دور از هر گونه اجبار اداری یا سیاسی، از یک انتخاب عمیق فرهنگی سرچشمه می‌گیرد. در واقع، اهالی این روستا با این انتخاب خود، حافظ را به جزئی از بافت زندگی و طبیعت خود تبدیل کرده‌اند. حافظ، نه یک شخصیت دوردست و تاریخی، بلکه یک هویت زنده و یک سنت جاری است. این اقدام، یادآور آن است که میراث فرهنگی ایران، فارغ از زبان گفتار روزمره، در قلب تک تک مردمان این سرزمین جای دارد.

در پایان این مقاله کوتاه باید بگویم که حافظ شیرازی، به عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های هویتی ایران، در آذربایجان نقشی فراتر از یک شاعر ایفا می‌کند. او نماد وحدت ملی بر بستر تنوع است. در روز بزرگداشت او، این نکته بار دیگر تأیید می‌شود که کلام سحرآمیز حافظ، فراتر از سلیقه و زبان، تمامی ایرانیان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. از نوای ارس در غزل‌های او گرفته تا روستایی که به نامش مزین شده، حافظ در آذربایجان زنده است؛ زنده به عنوان زبان مشترک، فال نیک و ریشه ناگسستی ایرانیست.

شاید یکی از زیباترین و مستندترین دلایل پیوند حافظ با این سرزمین، اشاره صریح او به رودخانه ارس باشد. ارس، مرز تاریخی ایران و قفقاز، همواره نماد جغرافیا، حیات و هویت برای مردم آذربایجان بوده است. حافظ در غزلی معروف، در بیت مطلع، رود ارس را با لحنی توأم با اشتیاق و احترام مورد خطاب قرار می‌دهد:

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
این خطاب، نشان از اهمیت و خاطره‌ای عزیز در ذهن حافظ از آن دیار است. او به صبا فرمان می‌دهد که نه تنها از آنجا بگذرد، بلکه با ادب و تواضع، بر خاک وادی بوسه زند و به این ترتیب، نفس خود را از عطر آن سرزمین خوشبو و مشکین کند. این تکریم، صرفاً یک توصیف جغرافیایی نیست؛ بلکه ستایشی است از «منزل سلمی» (معشوق یا استعاره‌ای از سرزمین دوست‌داشتنی) که پر از صدای حیات و جنبش (ساریبانان و بانگ جرس) است:

منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
این خطاب، نشان از اهمیت و خاطره‌ای عزیز در ذهن حافظ از آن دیار است. او به صبا فرمان می‌دهد که نه تنها از آنجا بگذرد، بلکه با ادب و تواضع، بر خاک وادی بوسه زند و به این ترتیب، نفس خود را از عطر آن سرزمین خوشبو و مشکین کند. این تکریم، صرفاً یک توصیف جغرافیایی نیست؛ بلکه ستایشی است از «منزل سلمی» (معشوق یا استعاره‌ای از سرزمین دوست‌داشتنی) که پر از صدای حیات و جنبش (ساریبانان و بانگ جرس) است:

منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام

به عنوان زبان مادری و زبان محاوره استفاده می‌کنند، زبان فارسی جایگاه منحصر به فردی دارد. فارسی، در کنار ترکی آذربایجانی و پیش از آن آذری پهلوی، زبان علم، فلسفه، شعر و هویت مشترک ملی است. در این میان، دیوان حافظ نقش یک ستون فرهنگی را ایفا می‌کند. در بسیاری از خانه‌های تبریز، ارومیه و اردبیل، دیوان حافظ جایگاهی مقدس دارد و پس از قرآن کریم، مهم‌ترین کتاب برای تغال و استخاره در لحظات حساس زندگی، شب یلدا و اعیاد مختلف است. این تغال، صرفاً یک بازی نیست؛ بلکه اعتماد به کلام لسان‌الغیب است که گمان می‌رود حامل الهام و پیشگویی است.

مضامین عرفانی حافظ، از جمله رندی، می‌گساری مجازی و نقد ریاکاری، با روحیه سنتی و در عین حال عمیقاً مذهبی و عرفانی مردم آذربایجان قرابت دارد. این مردم، که از دیرباز با تصوف و عرفان عجین بوده‌اند، در کلام حافظ، پژواک درونیات خود را می‌یابند.

ارس: مرز جغرافیایی و وصل فرهنگی در غزل حافظ

در گفتگوی طرح نو با روانشناس کودک بررسی شد؛

اضطراب در دانش‌آموزان؛ علل، نشانه‌ها و راه‌های مقابله

راه‌های مقابله با اضطراب در دانش‌آموزان

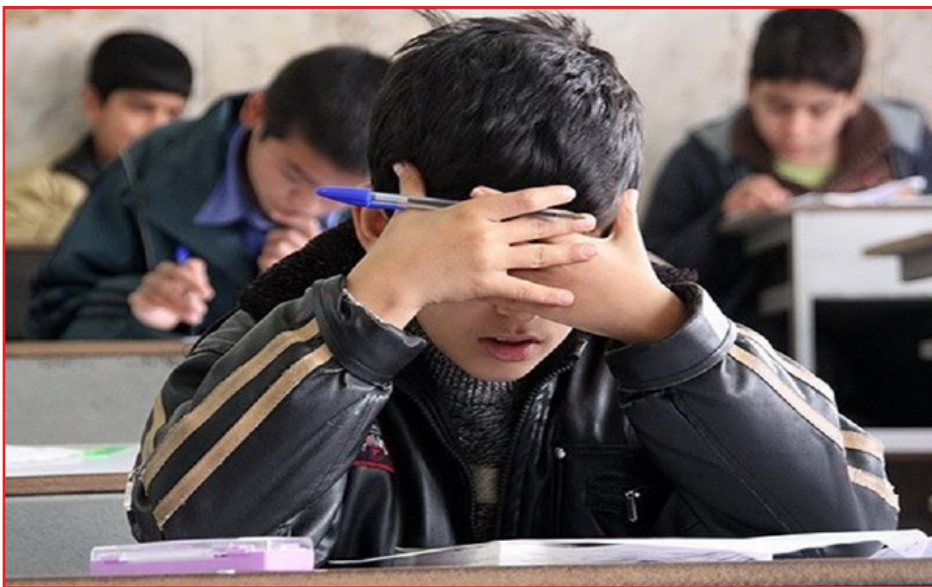
*والدین و معلمان چگونه می‌توانند به دانش‌آموزان مضطرب کمک کنند؟

خوشبختانه، راه‌های زیادی برای کمک به دانش‌آموزان مضطرب وجود دارد، از جمله: گفت‌وگوی باز و صمیمی: ایجاد فضای امن و حمایتی برای صحبت کردن در مورد احساسات و نگرانی‌ها. آموزش تکنیک‌های آرامش‌بخش: مانند تنفس عمیق، مدیتیشن، و ورزش.

تشویق به فعالیت‌های مورد علاقه: کمک به پیدا کردن فعالیت‌هایی که کودک از آن لذت می‌برد و اعتماد به نفس او را افزایش می‌دهد. همکاری با روانشناس: اگر اضطراب کودک شدید باشد یا در زندگی روزمره او اختلال ایجاد کند، مراجعه به روانشناس می‌تواند بسیار مفید باشد.

سخن آخر

اضطراب در دانش‌آموزان یک مشکل شایع است که می‌تواند تأثیرات منفی بر زندگی آن‌ها داشته باشد. اما با شناخت علل، نشانه‌ها و راه‌های مقابله با آن، می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد تا با آرامش و اعتماد به نفس بیشتری به تحصیل و زندگی خود بپردازند. همکاری و حمایت والدین، معلمان و روانشناسان می‌تواند نقش بسیار مهمی در این زمینه داشته باشد.



اضطراب در دانش‌آموزان چگونه خود را نشان می‌دهد؟

اضطراب در کودکان می‌تواند به طرق مختلفی خود را نشان دهد، از جمله: علائم جسمانی: سردرد، شکم درد، حالت تهوع، تعریق، لرزش دست‌ها علائم رفتاری: بی‌تحریکی، پرخاشگری، گریه، اجتناب از فعالیت‌های اجتماعی علائم شناختی: نگرانی مداوم، ترس از شکست، تفکر منفی

حتی خود دانش‌آموزان می‌توانند فشار زیادی بر آن‌ها وارد کند و منجر به اضطراب شود. تغییرات محیطی: تغییر مدرسه، معلم، یا حتی کلاس می‌تواند برای برخی از کودکان اضطراب‌آور باشد. مشکلات اجتماعی: مشکلاتی مانند تنهایی، یا نداشتن دوستان کافی می‌تواند باعث اضطراب شود. عوامل شخصیتی: برخی از کودکان به طور کلی مستعد اضطراب هستند.

نشانه‌های اضطراب در دانش‌آموزان

فیزیکی و سلامتی، از دست دادن عزیزان، تنهایی و مسائل مربوط به پیروی دست و پنجه نرم کنند. بنابراین، استرس در هر سنی می‌تواند وجود داشته باشد و مدیریت آن از طریق تکنیک‌های مدیریت استرس، حمایت اجتماعی، فعالیت‌های فیزیکی و تفریحی، و در صورت نیاز، مشاوره حرفه‌ای، اهمیت دارد.

در این گفتگو، با خانم دکتر سارا احمدی، روانشناس کودک، به بررسی علل، نشانه‌ها و راه‌های مقابله با اضطراب دانش‌آموزان می‌پردازیم.

خانم دکتر سارا احمدی کیست؟

دکتر سارا احمدی، روانشناس کودک و نوجوان، فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران، با بیش از ۱۰ سال سابقه کار در مراکز آموزشی و درمانی، دارای تخصص در زمینه مشکلات یادگیری، اختلالات رفتاری و اضطراب در کودکان و نوجوانان است. وی مؤلف چندین کتاب و مقاله در زمینه روانشناسی کودک و نوجوان می‌باشد.

علل اضطراب در دانش‌آموزان

چه عواملی می‌توانند باعث اضطراب در دانش‌آموزان شوند؟

اضطراب در دانش‌آموزان می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، از جمله: فشارهای تحصیلی: انتظارات والدین، معلمان و

طرح نو؛ رقیه جمالی
کودکان، با چشمان پر از کنجکاوی و قلب‌های پر از عشق، وارد دنیای بزرگ و پیچیده ما می‌شوند. آن‌ها با شور و اشتیاق به مدرسه می‌روند تا دانش و مهارت‌های جدید بیاموزند، دوستان جدیدی پیدا کنند و خاطرات شیرینی بسازند. اما گاهی اوقات، در میان همه این هیجان و شادی، اضطراب و نگرانی نیز می‌تواند در قلب‌های کوچک آن‌ها جای گیرد.

اضطراب می‌تواند به عنوان یک مانع جدی در مسیر رشد و توسعه کودک عمل کند و تأثیرات منفی بر روحیه، رفتار و عملکرد تحصیلی آن‌ها داشته باشد. به همین دلیل، توجه به سلامت روان و ارائه حمایت‌های لازم به کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

استرس می‌تواند در هر سنی رخ دهد و مختص سن خاصی نیست. کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و سالمندان همگی می‌توانند تجربه استرس داشته باشند. عوامل مختلفی می‌توانند باعث بروز استرس شوند، از جمله فشارهای کاری، مشکلات مالی، روابط اجتماعی، تغییرات زندگی، مشکلات سلامتی و موارد دیگر. هر مرحله از زندگی ممکن است چالش‌ها و استرس‌های خاص خود را داشته باشد. برای مثال:

کودکان و نوجوانان ممکن است با فشارهای مدرسه، امتحانات، تغییرات جسمی و اجتماعی دست و پنجه نرم کنند. بزرگسالان ممکن است با چالش‌های شغلی، مسئولیت‌های خانوادگی، مشکلات مالی و مسائل رابطه‌ای مواجه باشند. سالمندان ممکن است با تغییرات

منتظر دوستانش نگاه کرد ناراحت شد.

شروع به جست و خیز کرد و با خود گفت: دوستانم را خوشحال می‌کنم و توکل می‌نمایم. تا پایین رفتن از کوه هنوز امید هست؛ تا آهو به پایین کوه رسید باران شروع به باریدن کرد. موسی علیه السلام معترض پروردگار شد. خداوند به او فرمود:

همان پاسخ تو را آهو نیز دریافت کرد، با این تفاوت که آهو دوباره با توکل حرکت کرد و این پاداش توکل او بود.

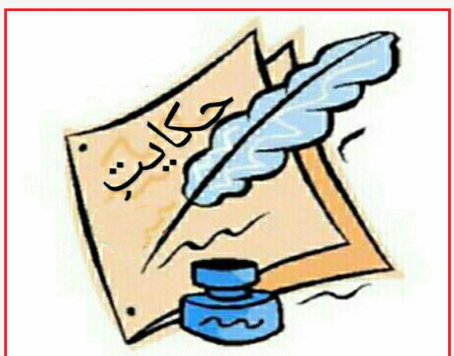
به دوستان خود گفت: اگر من جست و خیز کنان پایین آمدم بدانید که باران می‌آید وگرنه امیدی نیست. آهو به بالای کوه رفت و حضرت حق به او هم جواب رد داد: اما در راه برگشت وقتی به چشمان

موسی به درگاه الهی شتافت و داستان آهوان را نقل نمود؛ خداوند فرمود: موعد آن نرسیده. موسی هم برای آهوان جواب رد آورد؛ تا اینکه یکی از آهوان داوطلب شد که برای صحبت و مناجات بالای کوه طور رود.

حضرت موسی (ع) و توکل آهو

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

در زمان موسی(ع) خشکسالی پیش آمد! آهوان در دشت، خدمت موسی علیه السلام رسیدند که ما از تشنگی تلف می‌شویم و از خداوند متعال در خواست باران کن.



خبر

آیین تجلیل از دانشجوی نمونه و برتر کشوری و استاد برتر دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر آیین تجلیل از دانشجوی نمونه و برتر کشوری و استاد برتر که در محل سالن شمس پردیس علامه امینی تبریز با حضور یزدانی رئیس دانشگاه، معاونین، روسای دانشکده‌ها و جمع زیادی از دانشجویان برگزار گردید.

رئیس دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی ضمن ابراز خرسندی از این موفقیت بزرگ علمی برای دانشگاه فرهنگیان کشور و استان افزود: برای تعالی جامعه هر چند همه اقشار جامعه دخیل هستند، اما نخندگان از نقش مؤثرتری برخوردار هستند. نخندگان نیروی شاد جامعه می‌باشند و نیروی انسانی ماهر و فن آور توسعه جامعه را در پی خواهد داشت. یزدانی خاطر نشان کرد: اگر می‌خواهیم قله‌های پیشرفت را بیمائیم و در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم راه حل آن در نخبه‌پروری می‌باشد. ایشان ظرفیت‌های علمی دانشگاه فرهنگیان را برای کشور مهم توصیف کرد و افزود: در جنگ ۱۲ روزه، دانشجویان و دانشمندان ایرانی با طراحی موشک‌های بومی نقش مؤثری در پیروزی ایفا کردند. امروز نیز باید با شناسایی استعدادها و تأمین منابع علمی، مسیر توسعه فناوری را در دانشگاه فرهنگیان و کشور را باید هموار کنیم.

گفتنی است؛ دکتر جعفر عظمت دانشیار شیمی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی برای سومین سال متوالی در فهرست دودرصد دانشمندان برتر جهان جای گرفته و امیر محمد بهرامی ملاح دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی دانشجوی نمونه کشوری و نفر اول پنج دانشجوی نمونه برگزیده کشوری می‌باشد که هفته پیش توسط معاون اول رییس جمهور تجلیل شد.

وزیر آموزش و پرورش:

نیروی انسانی کشور را متناسب با نیاز بازار کار تربیت می‌کنیم



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر وزیر آموزش و پرورش گفت: سیاست اصلی ما تربیت نیروی انسانی متخصص متناسب با نیاز بازار کار است و توسعه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای را در این مسیر با جدیت دنبال می‌کنیم.

آیین بازگشایی رسمی هنرستان فنی و حرفه‌ای و کار دانش «مهارت تبریز» صبح دیروز شنبه با حضور علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، غلامحسین محمدی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، و علیرضا منادی، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

گام بلند آموزش و پرورش در مسیر مهارت محوری

علیرضا کاظمی در این مراسم با ابراز خرسندی از حضور در جمع فرهنگیان و هنرجویان استان آذربایجان شرقی، گفت: افتخار است که در شهر همیشه‌سربلند تبریز، در کنار مردمانی فرهیخته و پرتلاش که همواره در مسیر رشد علمی و فرهنگی کشور پیشگام بوده‌اند، شاهد گشایش یکی از مهم‌ترین هنرستان‌های مهارت محور کشور هستیم.

وی با تأکید بر اهمیت پیوند آموزش و بازار کار افزود: توسعه مهارت‌آموزی و افزایش ضریب اشتغال دانش‌آموزان از مهم‌ترین اقدامات وزارت آموزش و پرورش در همکاری با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای است. تحصیل متناسب با نیاز واقعی بازار کار و تربیت نیروی انسانی ماهر، از اهداف اصلی ایجاد هنرستان‌های جوار صنعت محسوب می‌شود و در این مسیر باید از ظرفیت‌های دولتی و بخش خصوصی بیشترین بهره

شده است تا ۵۰ درصد آموزش‌های کشور به سمت مهارت‌محوری سوق پیدا کند و امیدواریم با تداوم این مسیر، شاهد جهشی بزرگ در اشتغال و توانمندی نسل جوان باشیم.

افزایش ظرفیت مهارتی کشور در سایه همکاری دستگاه‌ها

در ادامه این مراسم، غلامحسین محمدی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، با اشاره به گسترش ظرفیت آموزش‌های مهارتی در کشور گفت: در هر استان و شهرستان، ظرفیت آموزش مهارت‌آموزی ۲۵ هزار نفر افزایش یافته و در مجموع به ۱۲۵ هزار نفر رسیده است. امروز بیش از پنج هزار دانش‌آموز در

پیشرفت چشمگیر در ایجاد هنرستان‌های جوار صنعت

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه افتتاح هنرستان‌های جوار صنعت ظرفیت برون‌سپاری آموزشی را چهار برابر کرده است، اظهار داشت: تبدیل مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به هنرستان‌های وابسته، گامی مؤثر در استفاده بهینه از تجهیزات آموزشی بوده است. تاکنون احداث ۵۷ هنرستان وابسته در کشور در دستور کار قرار گرفته که ۱۵ مورد به بهره‌برداری رسیده و از مجموع ۸۵۰ هنرستان جوار صنعت هدف‌گذاری شده، تعداد قابل توجهی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند.

کاظمی افزود: در برنامه هفتم پیشرفت، هدف‌گذاری

گفت‌وگوی شاعر فلسطینی بتول ابوعکلین درباره زندگی در غزه:

شعرهایم بخشی از گوشت و پوست من است



ابوعکلین بزرگ‌شده در خانواده‌ای تحصیل‌کرده است؛ پدرش وکیل و مادرش مهندس ناظر. از کودکی استعدادی خارق‌العاده در نوشتن داشت و رؤیای آکسفورد را در سر می‌پروراند. یادداشتی روی میز حسبانده بود: «آکسفورد منتظر توست» اما جنگ، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. «پیش از این، دختر لوس و نازپرورده‌ای بودم که مدام از زندگی‌اش شکایت می‌کرد. بعد ناگهان دیدم فقط می‌دوم و سعی می‌کنم زنده بمانم.» این حسرت برای زندگی عادی در شعرهایش پژواک می‌یابد؛ در یکی از اشعارش التماس می‌کند: «بی‌حوصلگی دوباره به خیابان‌هایمان برگردد».

بی‌قرار شاعری را پنهان می‌کند که در بیست‌سالگی به یکی از زنده‌ترین شاهدان غزه بدل شده است. نخستین مجموعه شعرش، ۴۸ کیلوگرم، پیش از انتشار، تحسین چهره‌های ادبی برجسته‌ای چون آن مایکلز و کارل چرچیل را برانگیخته است. او تمام وجودش را وقف یافتن زبانی برای آن «ناگفتنی» کرده؛ زبانی که بتواند هم پوچی سوررنال جنگ را بیان کند و هم تراژدی‌های روزمره‌اش را. در شعرهایش، بستنی‌فروشی، پیکرهای یخ‌زده را به سگ‌ها می‌فروشد و زنی در کوچه‌ها پرسه می‌زند تا آتش‌بسی دست‌دوم بخرد، اما قیمتش مدام بالا می‌رود.

عنوان کتاب، ۴۸ کیلوگرم، استعاره‌ای از خود شاعر است. او توضیح می‌دهد که این مجموعه از ۴۸ شعر تشکیل شده که هر کدام نماینده یک کیلوگرم از وزن بدنش هستند. «شعرهایم را بخشی از گوشت و پوست خود می‌دانم، پس بدنم را جمع کردم؛ برای زمانی که شاید خرد شوم و کسی نباشد مرا دفن کند.» این پیوند میان کلمه و جسم، در سراسر مجموعه جاری است؛ به‌ویژه در شعر تکان‌دهنده‌ای که برای مادر بزرگش سروده؛ کسی که در یک حمله موشکی کشته شد. نوه از مادر بزرگ می‌پرسد: «چرا به من یاد ندادی خیاطی کنم؟» تا بتواند صورت تکه‌تکه‌شده‌اش را دوباره به هم بدوزد و یک‌بار دیگر ببوسد.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر بتول ابوعکلین، شاعر بیست‌ساله فلسطینی، اولین کتابش را «۴۸ کیلوگرم» نامیده، چون هر یک از ۴۸ شعر آن، یک کیلو از وزن بدنش است. او با این کار، رؤیاهای از دست‌رفته و وحشت جنگ را به کلماتی از جنس گوشت و پوست تبدیل کرده تا اگر روزی بدنش خرد شد، شعرش باقی بماند.

سرویس بین‌الملل خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) - الهه شمس: بتول ابوعکلین، شاعر بیست‌ساله اهل غزه، در نخستین مجموعه شعرش با عنوان ۴۸ کیلوگرم، زبانی بی‌پرده برای بیان وحشت و پوچی زندگی در دل جنگ یافته است. او که هرگز پایش از غزه بیرون نرفته، با بازآفرینی اشعارش به انگلیسی، صدایی جهانی به نسلی داده که می‌کوشد در میان ویرانه‌ها زنده بماند و روایت کند.

بتول ابوعکلین داشت در آپارتمان ساحلی‌شان در غزه ناهار می‌خورد که موشکی به کافه‌ای در همان نزدیکی خورد. «یک ساندویچ فلافل دستم بود و از پنجره بیرون را نگاه می‌کردم که ناگهان پنجره لرزید.» این لحظه، که در آن ده‌ها نفر کشته شدند، یکی از بی‌شمار تصاویری است که زندگی روزمره او را شکل داده. ابوعکلین با خونسردی عجیبی که از خو گرفتن به وحشت می‌آید، می‌گوید: «گاهی احساس نمی‌کنم واقعی باشد.» اما این آرامش ظاهری، روح

بازیگر و کارگردان حوزه کودک و نوجوان:

به تهیه‌کنندگان سینمای کودک یارانه بدهید



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر «سید جواد هاشمی» بازیگر و کارگردان حوزه کودک و نوجوان گفت: شاید اختصاص یارانه به تهیه‌کنندگان فیلم کودک کمکی برای نجات سینمای کودک از شرایط دشوار فعلی باشد.

سید جواد هاشمی بازیگر و کارگردان حوزه کودک و نوجوان که هم‌اکنون اختتامیه سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان بود، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی ایرنا، تصریح کرد: وقتی برای کودک و نوجوان فیلم می‌سازی، بدون شک شرایط با فیلم‌های بزرگسال تفاوت بسیاری دارد. این نوع آثار، حال و هوایی متفاوت و سرشار از فانتزی جذاب دارند که می‌تواند برای کودکان بسیار گیرا باشد.

وی اضافه کرد: لذت اصلی زمانی به دست می‌آید که مخاطب کودک از اثر استقبال کند و تمایل داشته باشد بارها آن را تماشا کند. به همین دلیل، هرگاه برای کودکان کار می‌کنم، احساس شادی و انرژی مثبت ویژه‌ای دارم. وی درباره الزامات ساخت فیلم برای کودک تصریح کرد: به باور من، چند عنصر اصلی در ساخت آثار کودک و نوجوان ضروری است؛ نخست اینکه اثر باید سرشار از تخیل و فانتزی باشد، عنصری که کودکان بیش از هر چیزی به آن علاقه دارند. دوم، باید پایانی شاد و امیدبخش ارائه دهد و سوم، در کلیت اثر باید آموزش و تربیت به‌صورت غیرمستقیم گنجانده شود تا بتوانیم علاوه بر سرگرمی، محتوای آموزشی و اخلاقی را نیز به مخاطب خود انتقال دهیم.

کارگردان «شهر گریه‌ها» درباره مواجهه با مخاطب کودک گفت: من سرشار از خاطرات زیبا با کودکان هستم. زمانی که بچه‌ها متوجه می‌شوند من «آهوی پیشونی سفید»، «شهر گریه‌ها» یا «تورنادو» را ساختم با شور و شوق فراوانی با من برخورد می‌کنند و با اشتیاق برای عکس گرفتن کنارم می‌آیند. تمام امید و عشق من در همین لحظات معنا پیدا می‌کند.

وی با اشاره به چالش‌های ساخت فیلم برای کودکان بیان کرد: فیلمسازی برای کودکان و نوجوانان کاری بسیار دشوار، طاقت‌فرسا و حتی همراه با ضرر مالی است. اما آنچه من را در این مسیر پایدار نگه داشته، برخورد پرانرژی و صمیمانه کودکان است. آن‌ها من را نه به عنوان یک بازیگر دفاع مقدس، که به عنوان خالق آثاری می‌شناسند که دوستشان داشته است. این احساس خالق بودن، برای من ارزشی بی‌نهایت دارد.

این بازیگر سینما اظهار کرد: مسلماً ساخت فیلم و تولید محصولات فرهنگی برای کودکان

شاد می‌شوند. همین مشاهده تجربه‌ای ارزشمند و درس‌هایی بی‌ظنیر برایم به ارمغان می‌آورد. وی با اشاره به حضور داوران کودک و نوجوان در این رویداد گفت: وجود داوران کودک و نوجوان در چنین جشنواره‌هایی برای همواره جذاب و تأمل‌برانگیز بوده است. به دلیل همین ویژگی‌هاست که همیشه با اشتیاق و علاقه در جشنواره‌های کودک حضور پیدا می‌کنم. این بازیگر سینما با اشاره به لزوم تبلیغات گسترده برای جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان تأکید کرد: مهم‌ترین درخواست من از جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب و گسترده برای جذب مخاطب است.

وی با اشاره به حمایت از این سینما تصریح کرد: سینمای خصوصی در این حوزه عملاً شکست خورده و سینمای دولتی نیز نتوانسته انتظارات و علایق کودکان را برآورده کند. به نظر من، سینمای کودک تنها زمانی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند که سینمای خصوصی امکان نفس‌کشیدن و فعالیت پویا داشته باشد، به دنیای فانتزی و تخیل کودکان به‌طور جدی توجه شود و فیلمسازانی وارد این عرصه شوند که کودک و دنیای او را می‌شناسند یا دست‌کم، آن را عمیقاً درک کرده و لمس کرده‌اند.

هاشمی در پایان گفت: شاید اختصاص یارانه (سوسبید) به تهیه‌کنندگان فیلم کودک بتواند کمکی برای نجات این عرصه از شرایط دشوار فعلی باشد.

گفتنی است؛ سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با برگزاری اختتامیه در ۱۶ مهر به دبیری حامد جعفری در شهر اصفهان به کار خود پایان داد.

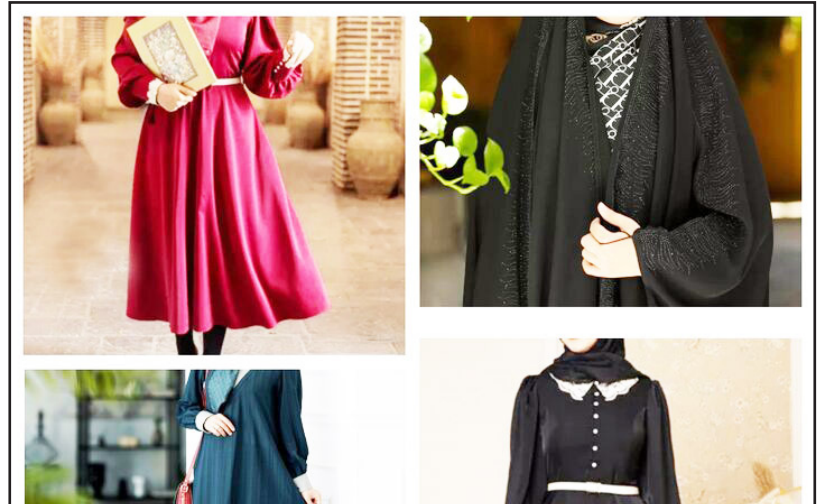
ایرنا

گزارش

حجاب سبک زندگی متفکرانه است نه لباس فرم؛

مانع پذیرش نسل جدید

چیست؟



طرح نو؛ گروه گزارش
حجاب باید به عنوان بخشی از یک سبک زندگی متفکرانه و اخلاقی به مخاطب عرضه شود، نه یک لباس فرم؛ معرفی حجاب به عنوان سنگر مقاومت و مظهر آزادی درونی که زن را از نگاه شیءوار رهایی می‌بخشد. پوشش و عفاف، مفهومی فراتر از یک حکم دینی و یک دستورالعمل صرف است؛ در ژرفای تاریخ و فطرت انسان ریشه دارد. زن ایرانی، همواره در طول تاریخ پر افتخار خود، این مفهوم را نه تنها حفظ کرده، بلکه آن را نشانه‌ای از هویت، تخصص و اقتدار خود دانسته است. برای احیای این گنجینه و تبیین زیبایی‌های آن برای نسل‌های جوان، به‌ویژه نوجوانان و دختران، نیازمند یک بازنگری جدی در شیوه‌های ترویج و استفاده هدفمند از ابزار قدرتمند رسانه با رویکردی نوآورانه و مبتنی بر تنوع و سلیقه‌پذیری هستیم.

میراث فطری و فرهنگی-تاریخی

پوشش، نخستین واکنشی بوده که انسان از ابتدای خلقت برای حفظ حریم و کرامت خود به کار برده است. این تلاش مداوم در طول تاریخ، گواه روشنی بر فطری بودن عفاف در وجود آدمی است. در بستر فرهنگ غنی ایران، این فطرت به یک اصل اجتماعی و فرهنگی بدل شده است؛

تاریخ اساطیری ایران، مملو از زنانی است که پوشش را در شمار وظایف و مایه‌ی احترام خود می‌دانستند. شاهنامه فردوسی، این سند اصیل هویت ایرانی، زنان را با مفاهیمی چون «پوشیده‌رویان»، «پاک‌دامن» و «باحیا» توصیف می‌کند.

حکیم طوسی، گواه روشنی بر فطری بودن از پوشیدگی، اصالت، پاک‌ی، راستی و خردمندی قرار می‌دهد. شخصیت‌هایی چون «گردیه» خردمندترین زن شاهنامه یا «منیژه» دختر افراسیاب با پوششی کامل و به دور از دیدگان نامحرم توصیف شده‌اند. فردوسی به صراحت، زنانی را که در این مسیر گام برمی‌دارند، تقدیس کرده است. پوشش در اینجا نه یک محدودیت، بلکه نشانه‌ای از شأن، قدرت و جایگاه والای اجتماعی بوده است. ریشه گرفتن فرهنگ ایرانیان باستان از آموزه‌های آئین آسمانی زرتشت که بر راستی، درستی، تحکیم خانواده و پرورش فرزندان پاک نهاد تأکید دارد، لزوم پوشیدگی زن را به یک توصیه اکید تبدیل کرده است. این حکم در تمامی ادیان الهی، اعم از یهودیت و مسیحیت نیز با درجهت و تفاوت‌هایی وجود داشته است. حجاب اسلامی به معنای «پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم»، در امتداد همین سنت عقیف و فطری تاریخی قرار می‌گیرد.

ضرورت تحول در شیوه ترویج

با وجود ریشه‌های محکم تاریخی و دینی، در عصر حاضر و مواجهه با نسل جدید، روش‌های سنتی ترویج حجاب دیگر کارایی لازم را ندارند. رویکردهای قدیمی که بر تبلیغ یک نوع و یک شکل حجاب (غالباً حد اعلای آن) با یک رنگ و مدل خاص اصرار می‌ورزند، اغلب منجر به دل‌زدگی و پس‌زنی در قشر نوجوان می‌شود. نسل امروز، بیش از هر چیز به دنبال انتخاب آگاهانه، زیبایی و احترام به سلیقه فردی است. ترویج حجاب در عصر کنونی باید از حالت

حجاب باید به عنوان بخشی از یک سبک زندگی متفکرانه و اخلاقی به مخاطب عرضه شود، نه یک لباس فرم. معرفی حجاب به عنوان سنگر مقاومت و مظهر آزادی درونی که زن را از نگاه شیءوار رهایی می‌بخشد. علاوه بر آنها، برای نوجوان، انقاع عقلی بسیار مهم‌تر از دستورالعمل است. برگزاری کارگاه‌های پرسش و پاسخ آزاد، مناظره‌ها و نشست‌های صمیمی با مشاوران و متخصصانی که خود، مروج حجاب‌های متنوع هستند، می‌تواند زمینه انتخاب آگاهانه را فراهم کند. در نهایت، ترویج عفاف و حجاب یک فرایند فرهنگی عمیق است که با تأکید بر ریشه‌های فطری و تاریخی آن در هویت زن ایرانی و بکارگیری رویکردهای رسانه‌ای نوآورانه و مبتنی بر احترام به سلیقه نسل جدید، میسر خواهد شد. هدف باید تبدیل حجاب از یک حکم ظاهری به یک باور قلبی، انتخاب خردمندانه و نشانه کرامت نفس باشد. / مهر

سقوط آرام جمعیت؛ بحران خاموشی که فردا فریاد می‌زند



الزاماً مشکل صرفاً به سطح درآمد یا قیمت مسکن محدود باشد. این تغییر نگرش، پنهان و تدریجی اما بسیار تأثیرگذار است؛ چرا که تصمیم به نداشتن فرزند، تنها در چند خانواده خلاصه نمی‌شود، بلکه به یک فرهنگ احتیاط و پرهیز بدل می‌گردد. نتیجه آن، کاهش ظرفیت مولد جامعه و حرکت ترکیب جمعیتی ایران به سوی سالمندی سریع است. اگر این روند مهار نشود، آثار آن تا دهه‌های بعد بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی کشور سنگینی خواهد کرد.

فرصتی که رو به پایان است

ایران در نقطه‌ای حساس از تاریخ جمعیتی خود قرار دارد؛ نقطه‌ای که کارشناسان آن را «پنجره جمعیتی» می‌نامند، یعنی دوره‌ای نسبتاً کوتاه که در آن سهم جمعیت فعال و جوان بیش از جمعیت وابسته (سالمندان و کودکان) است. چنین ترکیبی، بهترین بستر برای جهش اقتصادی، افزایش تولید ملی و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

اما این فرصت طلایی در حال بسته شدن است. شیب کاهش نرخ تولد و رشد سریع جمعیت سالمند، موجب می‌شود توازن جمعیتی به‌سرعت برهم بخورد. بنا بر پیش‌بینی‌ها، در صورت ادامه روند فعلی، تا چند سال آینده نسبت جمعیت وابسته آن‌چنان افزایش می‌یابد که جبران آن عملاً غیرممکن خواهد بود. از آن نقطه به بعد، هر گونه سیاست‌گذاری اقتصادی یا اجتماعی باید بخش عمده منابع را صرف خدمات درمانی، حمایت‌های بازنشستگی و تأمین نیازهای سالمندان کند؛ در حالی که پایه نیروی کار و جمعیت مولد به شدت کوچک شده است.

این تغییر، صرفاً مسئله‌ای آماری نیست؛ بلکه سرنوشت آینده کشور را در تمامی ابعاد از توان رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی تا قدرت اجتماعی و حتی امنیت ملی تحت تأثیر قرار خواهد داد. سیاست‌های مبتنی بر یارانه، وام یا مشوق‌های مالی کوتاه‌مدت، به‌تنهایی قادر به برگشت این روند نیستند. تنها راه واقعی، «بازسازی اعتماد و امید اجتماعی»، «ایجاد ثبات در فضای اقتصادی و سیاسی» و «ترسیم آینده‌ای روشن و قابل باور برای نسل فرزندان» است.

در غیر این صورت، پنجره جمعیتی بسته می‌شود و با آن، مهم‌ترین فرصت تاریخی برای جهش ایران، در سکوت و بی‌توجهی از دست خواهد رفت.

طرح نو، زهرا ژرفی مهر
در حالی که افکار عمومی و تحلیل‌های رایج، اغلب ریشه کاهش ازدواج و فرزندآوری را در مشکلات اقتصادی، تورم افسارگسیخته، افزایش بی‌رویه قیمت مسکن و فشار معیشتی جست‌وجو می‌کنند، اما موضوع دیگری نیز آرام اما پیوسته در زیر پوست جامعه در حال شکل‌گیری و گسترش است و می‌توان از منظر بی‌اعتمادی و ناامیدی نسبت به آینده بدان نگاه کرد.

این عامل روانی، اگرچه کمتر در آمارهای رسمی خود را نشان می‌دهد، اما قدرتی دارد که تصمیمات فردی و خانوادگی را عمیقاً تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ناامیدی از آینده، همچون زخم‌های دانه‌ی در ذهن افراد، قوام انگیزه‌های بلندمدت آنان را فرسایش می‌دهد. وقتی خانواده‌ها آینده را مبهم و غیرقابل پیش‌بینی می‌بینند، تشکیل خانواده به‌منزله یک «سرمايه‌گذاری پریسک» تلقی می‌شود و داشتن فرزند، نه یک آرزوی مشترک، بلکه مسئولیتی سنگین و اضطراب‌آور به نظر می‌رسد.

در این فضا، حتی کسانی که از نظر اقتصادی توانایی نسبی دارند، برای فرزندآوری دست به عصا حرکت می‌کنند، چرا که مسئله، صرفاً تأمین هزینه‌های امروز نیست؛ بلکه دغدغه اصلی، تضمین امنیت، رفاه و فرصت‌های فردا برای نسل بعد است. خاطرات جمعی از بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی، بحران‌های اقتصادی مکرر و وعده‌هایی که محقق نشده‌اند، به شکل یک تجربه بلندمدت در ناخودآگاه جامعه نشسته و اراده برای تولید نسل را ضعیف کرده است.

این بی‌اعتمادی، همچون یک زنگ هشدار آرام اما دائمی، در همه تصمیمات کلان زندگی اثر می‌گذارد؛ از انتخاب شغل و محل زندگی گرفته تا ازدواج و داشتن فرزند و پیامد آن، کاهش تدریجی جمعیت جوان و افزایش سهم سالمندان در ترکیب جمعیتی کشور است؛ تغییری که هر سال، نه با حادثه‌های بزرگ، بلکه با همین تزلزل نرم و پیوسته، به سمت بحران حرکت می‌کند.

آمار خاموش، آینده بلند

در سکوت نسبی رسانه‌ها و فراتر از هیاهوی روزمره اخبار، نمودارهای جمعیتی ایران سال به سال دچار شیبه کمی‌سابقه و نگران‌کننده می‌شوند. این تغییرات، نه با حادثه‌های ناگهانی بلکه با روندی آرام و پیوسته، چهره آینده کشور را دگرگون می‌کنند.

افزایش سریع نسبت سالمندان به کل جمعیت، در دهه‌های پیش رو پیامدهای گسترده‌ای به‌دنبال دارد؛ من جمله: فشار سنگین بر سیستم‌های درمانی، نیاز روزافزون به خدمات حمایتی توانبخشی و فرسودگی زیرساخت‌های اجتماعی که توان پاسخگویی به چنین موجی را ندارند. با بالا رفتن میانگین سنی جامعه، بار مالی بر دوش نظام‌های بیمه و بازنشستگی چند برابر خواهد شد و منابع عمومی کشور بیشتر به سمت هزینه‌های حمایتی سوق می‌یابند.

از منظر اقتصادی، کاهش حجم جمعیت فعال و مولد به معنای کوچک شدن ظرفیت تولید و کاهش درآمد ملی است. در چنین شرایطی، نرخ وابستگی اقتصادی (نسبت جمعیت غیرمولد به مولد) رشد می‌کند و این رشد، مسیر توسعه کشور را کند و حتی متوقف می‌سازد. با کوچک شدن پایه نیروی کار، کسب‌وکارها با کمبود نیروی انسانی ماهر مواجه شده و رقابت برای جذب نیرو شدت می‌یابد، در حالی که بار مالی نگهداری از سالمندان همچنان در حال افزایش خواهد بود.

بدین ترتیب، این «آمار خاموش» که شاید امروز کمتر دیده شود، فردا به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی کشور بدل خواهد شد؛ بحرانی که از هم‌اکنون نیازمند نگاه آینده‌نگر و سیاست‌گذاری هوشمند است.

خبر

مدیرکل آموزش و پرورش استان خبر داد:

تأکید بر توسعه عدالت آموزشی و

نقش خیرین در نهضت مدرسه‌سازی آذربایجان شرقی

افزود: «در سایه حمایت‌های دولت چهاردهم، افزایش سرانه دانش‌آموزی، توجه ویژه به مدارس شبانه‌روزی و توسعه عدالت آموزشی در دستور کار جدی قرار دارد.» وی با اشاره به اینکه یکی از محورهای اصلی سیاست‌های آموزش و پرورش، ارتقای کیفیت آموزش و توزیع عادلانه فرصت‌های یادگیری است، گفت: «سرانه فضای آموزشی در استان ۵.۷ مترمربع است اما در برخی مناطق این عدد به کمتر از ۳.۵ مترمربع می‌رسد. همچنین بخش قابل توجهی از مدارس دارای عمر بالای ۳۰ سال هستند که نوسازی آن‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت آموزش اثرگذار خواهد بود.»

مدیرکل آموزش و پرورش استان با تقدیر از حمایت‌های رئیس‌جمهور و همراهی مجلس شورای اسلامی افزود: «در حال حاضر ۲۸۳ پروژه آموزشی در قالب ۳۱۰ کلاس درس در دست اجراست و بخش قابل توجهی از آن‌ها

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در نشست مشترک اعضای کمیسیون‌های آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس با وزیر آموزش و پرورش، اعضای شورای معاونین و مدیران نواحی و مناطق استان، از دستاوردهای قابل توجه آموزش و پرورش استان در دولت چهاردهم خبر داد. اسفندیار صادقی با اشاره به اقدامات مؤثر وزارت آموزش و پرورش در راستای رضایت فرهنگیان گفت: «امروز دیگر بدیهی قابل توجهی در حوزه آموزش و پرورش باقی نمانده و پرداخت منظم اضافه‌کار و حق‌التدریس معلمان به صورت ماهانه انجام می‌شود که اقدامی کم‌نظیر به شمار می‌رود.»
صادقی با بیان اینکه سال تحصیلی جدید با شعار توسعه عدالت آموزشی، برای ایران، برای مدرسه آغاز شده است،

تا پایان مهرماه به بهره‌برداری می‌رسد. میانگین پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها نیز ۷۳ درصد است.»
صادقی با قدردانی از خیرین نیک‌اندیش استان در نهضت مدرسه‌سازی گفت: «در سال ۱۴۰۳ خیرین حدود ۲ همت را برای ساخت مدارس تقبل کرده‌اند. از جمله، شهرداری تبریز احداث ۱۴ مدرسه ۱۲ کلاسه و یکی از خیرین نیز ساخت ۱۰ مدرسه ۱۲ کلاسه را برعهده گرفته است. خوشبختانه سایر دستگاه‌ها نیز در این مسیر همراه و پیشقدم شده‌اند.»
وی در پایان از افتتاح هنرستان مهارتی و انتخاب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی به عنوان دستگاه برتر جشنواره شهید رجایی کشور خبر داد و تأکید کرد: «آموزش و پرورش استان با نگاه سیستمی و در چارچوب اسناد بالادستی، مسیر توسعه عدالت‌محور آموزشی را با قوت ادامه خواهد داد.»

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضارباتی

آدرس تبریز: چهار راه مارالان - روبروی مسجد میانه- پ ۵۲۳ - طبقه ۴ تلفکس: ۸۷۷۱ ۳۵۴۱-۰۴۱

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱ تلفکس: ۰۴۴-۲۲۲۴۸۵۸۸

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

خبر

جمع آوری بیش از ۶ هزار تن نخاله از سطح معابر تبریز در سه ماهه اخیر

طرح نو؛ گروه شهری

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز از جمع‌آوری بیش از ۶ هزار تن نخاله ساختمانی از سطح معابر، زمین‌های خالی و حاشیه محلات در سه‌ماهه اخیر خبر داد و بر ضرورت همکاری شهروندان در جلوگیری از رهاسازی نخاله در سطح شهر تأکید کرد.

یعقوب انصاری با اعلام این خبر گفت: در راستای حفظ بهداشت محیط و ارتقاء سیمای شهری، عملیات پاکسازی و جمع‌آوری نخاله‌های ساختمانی در مناطق ده‌گانه شهر به‌صورت مستمر اجرا می‌شود و طی سه ماهه اخیر، بیش از ۶ هزار تن نخاله از سطح شهر جمع‌آوری و به محل‌های مجاز انتقال یافته است.

وی افزود: نخاله‌های رهاشده در کنار معابر و زمین‌های خالی نه تنها جلوه‌ای نازیبا به شهر می‌دهند، بلکه موجب رشد علف‌های هرز، تجمع زباله، افزایش حشرات و حیوانات موذی و در نتیجه تهدیدی برای سلامت عمومی شهروندان می‌شوند.

انصاری ادامه داد: متأسفانه در برخی نقاط، زمین‌های رهاشده به دلیل عدم رسیدگی مالکان، به محل‌دپوی نخاله‌های ساختمانی و زباله تبدیل می‌شوند که این موضوع علاوه بر تأثیر منفی بر چهره شهر، مشکلات بهداشتی و زیست محیطی متعددی به همراه دارد.

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز تصریح کرد: پاکسازی این اراضی و جمع‌آوری نخاله‌ها نقش مهمی در کاهش آلودگی‌های زیست محیطی دارد و این روند با نظارت مستمر معاونت و همکاری مناطق ده‌گانه شهرداری ادامه خواهد داشت.

وی با تأکید بر ممنوعیت تخلیه نخاله در معابر عمومی گفت: از شهروندان محترم درخواست می‌شود در صورت مشاهده زمین‌های رهاشده یا نقاط آلوده، مراتب را از طریق سامانه ۱۳۷ شهرداری تبریز گزارش دهند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به پاکسازی آن اقدام شود.

گزارش

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

با حضور نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه تبریز؛

تندیس ۲ چهره ماندگار آذربایجان در تبریز نصب شد

طرح نو، گروه شهری

در راستای شناساندن هرچه بیشتر مفاخر آذربایجان و تبریز، دو تندیس از شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم و سردار شهید مهدی باکری در تبریز نصب شد.

با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مطهری‌اصل نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجانشرقی و امام‌جمعه تبریز، یعقوب هوشیار شهردار تبریز، سیدکاظم زعفرانچی‌لر، علیرضا نوای‌باغبان، علی راستی، حکیمه غفوری، علی آجودان‌زاده و احد صادقی از اعضای شورای اسلامی شهر و همچنین با حضور فرزند شهید آل‌هاشم، تندیس یادبود این شهید گرانقدر در میدان شهدا مقابل استانداری نصب شد.

یعقوب هوشیار، شهردار تبریز در این مراسم اظهار کرد: بر اساس سیاست‌گذاری مدیریت شهری در راستای معرفی مفاخر و مشاهیر آذربایجان، دو تندیس از آیت‌الله آل‌هاشم و سردار شهید مهدی باکری توسط هنرمند صاحب‌سبک کشور یونس رزمی طراحی و ساخته شده است. وی افزود: تندیس شهید آیت‌الله آل‌هاشم با ارتفاع ۳.۵ متر و از جنس فایبرگلاس ساخته شده و برای طراحی و اجرای آن ۸۰۰ میلیون تومان هزینه شده است. این اثر از ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناسی منحصربه‌فردی برخوردار است و با هویت بصری محیط شهری هم‌راستا طراحی شده است.

شهردار تبریز با اشاره به نصب تندیس شهید مهدی باکری در ابتدای زعفرانیه گفت: این تندیس از جنس برنز و با ارتفاع چهار متر ساخته شده و سه میلیارد تومان برای ساخت آن هزینه شده است.

هوشیار هدف از اجرای این طرح‌ها را ارج‌نهادن به فرهنگ ایثار و شهادت و ارتقای فضاهای فرهنگی و هنری شهر عنوان کرد و افزود: پیش‌تر نیز تندیس‌هایی از مفاخر بزرگ آذربایجان همچون ستارخان و جبار باغچه‌بان در سطح شهر نصب شده است و این روند تا پایان دوره ششم شورای اسلامی شهر تداوم خواهد داشت تا مشاهیر و مفاخر آذربایجان و تبریز به نسل جوان معرفی شوند.

در ادامه مراسم، حجت‌الاسلام سیدکاظم زعفرانچی‌لر

روایت شینگوا چین از شکوه و زیبایی بزرگترین بازار مسقف جهان

تفرجگاه عون‌بن‌علی مقاصد بازدید خیرنگاران خارجی در این تور رسانه‌ای بود. رسانه شینگوا چین، یکی از رسانه‌های حاضر در این تور رسانه‌ای بود که زیبایی‌ها و جریان زندگی در بازار تبریز را به تصویر کشیده است.

«ایران‌پلاس» درشهریورماه سال جاری، گروهی از خیرنگاران خارجی با هدف آشنایی با ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و صنعتی کشور، از بخش‌های مختلف شهر تبریز بازدید کردند.

متروی تبریز، خانه‌موزه استاد شهریار، بازار تاریخی تبریز و

طرح نو؛ گروه شهری

در پی بازدید نمایندگان رسانه‌های خارجی فعال در کشور،

حال شکوه و زیبایی بزرگترین بازار مسقف تاریخی جهان سوزه گزارش تصویری این رسانه‌ها شده است.

در پی برگزاری رویداد «ارویان پیشرفت» با عنوان

گزارش

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی :

هشت مسجد تاریخی استان در فهرست پرونده ثبت جهانی قرار گرفت

چشمگیری به‌چشم می‌خورد. این اثر تاریخی نمونه‌ای برجسته از هنر و معماری دوره صفوی است که به‌سبب تزئینات زیبا، کتیبه‌های قرآنی و ارزش فرهنگی دستخط‌ها، از جایگاه ویژه‌ای در میان مساجد تاریخی کشور برخوردار بوده و ظرفیت ثبت در فهرست میراث جهانی را داراست.

مسجد جامع مرند یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری مذهبی در شمال‌غرب کشور

ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی با حضور مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان شرقی، از مسجد جامع مرند نیز بازدید کردند و در جریان ویژگی‌های تاریخی، معماری و تزئینی این اثر ارزشمند دوره ایلخانی قرار گرفتند.

در جریان بازدید هیئت ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی از مسجد جامع مرند، تیم ارزیابی با هدف بررسی ظرفیت‌ها و مستندات مرتبط با ثبت جهانی مساجد تاریخی ایران، از بخش‌های مختلف مسجد جامع مرند بازدید کردند.

این مسجد تاریخی که در سال ۷۳۱ هجری قمری و در دوران حکومت سلطان ابوسعید بهادرخان ایلخانی ساخته شده، یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری مذهبی در شمال‌غرب کشور به‌شمار می‌رود.

مسجد جامع مرند با دارا بودن محرابی منحصربه‌فرد، گچ‌بری‌های ظریف و تزئینات هندسی و گیاهی چشم‌نواز، جلوه‌ای از شکوه هنر ایلخانی را به نمایش می‌گذارد. محراب سنگی این مسجد با کتیبه‌های قرآنی به خطوط کوفی، ثلث و محقق، از شاهکارهای هنری قرون میانی ایران محسوب می‌شود و در سال ۱۳۹۲ شمسی به شماره ۱۳۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

در ادامه بازدید، ارزیابان ضمن بررسی تناسب معماری، ساختار طاق‌ها و ستون‌ها، این بنا را به‌عنوان اثری واجد ارزش‌های برجسته جهانی در حوزه تلفیق هنر اسلامی و طبیعت ارزیابی کردند.

طراحی متوازن و هندسی مسجد، نمونه‌ای از دانش پیشرفته معماران ایلخانی در ایجاد هماهنگی بصری و روحانی در فضاهای مذهبی است، مسجد جامع مرند به‌عنوان یکی از معدود بناهای ایلخانی که اصالت خود را حفظ کرده است، نه‌تنها از جایگاه مذهبی و فرهنگی ویژه‌ای برخوردار است، بلکه ظرفیت آن برای ثبت در فهرست میراث جهانی، نمادی از هویت تاریخی، زیبایی‌شناسی اسلامی و استمرار هنر ایرانی در طول قرون به‌شمار می‌رود.



اول، بر مزار شیخ شهاب‌الدین ساخته شده است.

مسجد شیخ شهاب‌الدین اهری با طرح مستطیل‌شکل و پوشش طاق و تویزه، با گچ‌بری، نقاشی و مقرنس‌کاری تزئین یافته و جلوه‌ای از هنر فاخر صفوی را به نمایش می‌گذارد. بخش عمده نمای داخلی مسجد با گچ‌بری‌ها و نقاشی‌های ظریف مزین است و شباهت قابل‌توجهی با بقعه شیخ امین‌الدین جبرئیل در کلخوران اردبیل دارد که نشان از هم‌زمانی یا تأثیر استادان مشترک در طراحی و اجرا دارد.

وجود دستخط‌های برجسته‌ای از شخصیت‌هایی چون شیخ بهایی، شاه عباس سوم و ابوالقاسم نینایی بر دیوارهای مسجد، اهمیت تاریخی و فرهنگی این مکان مقدس را دوچندان کرده است. در میان آن‌ها، دستخط شیخ بهاء‌الدین عاملی به تاریخ ۱۰۱۸ هجری قمری و لوحه‌ای به خط ثلث مورخ ۱۱۸۹ هجری قمری، از ارزشمندترین یادگارهای تاریخی مسجد به‌شمار می‌رود.

مسجد شیخ شهاب‌الدین اهری به‌عنوان بخشی از مجموعه آرامگاهی شیخ شهاب‌الدین، با فضاهای جانبی همچون خانقاه و چینی‌خانه ارتباطی یکپارچه دارد و در طراحی کلی مجموعه، هماهنگی فضایی و پیوستگی عملکردی

امور بین‌الملل و ارزیاب تهیه پرونده ثبت جهانی و هیأت همراه، مسجد تاریخی اسنق در شهرستان هریس مورد بازدید و ارزیابی قرار گرفت و ویژگی‌های شاخص معماری این بنای ارزشمند بررسی شد.

مسجد شیخ شهاب‌الدین اهری

ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی همچنین از مسجد شیخ شهاب‌الدین اهری بازدید کردند و در جریان ویژگی‌های تاریخی، معماری و هنری این بنای ارزشمند دوره صفوی قرار گرفتند.

در جریان بازدید ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی از مسجد تاریخی شیخ شهاب‌الدین اهری، ارزیابان ضمن بررسی ظرفیت‌ها و مستندات مرتبط با ثبت جهانی مساجد تاریخی، از بخش‌های مختلف مسجد شیخ شهاب‌الدین اهری بازدید کردند.

این مسجد در ضلع شرقی صحن مجموعه شیخ شهاب‌الدین اهری در جنوب شهر اهر قرار دارد و به همراه دیگر بخش‌های مجموعه، در دوره صفوی که گمان می‌رود در زمان شاه عباس

ارزیابان در این بازدید پلان و تناسب معماری، ساختار پلکانی ورودی شرقی و عمق ۲۰ پله‌ای آن نسبت به سطح خیابان را مورد بررسی قرار دادند، ترکیب فضای شبستان بزرگ و صحن کوچک، به همراه سه محراب فعال در محورهای مختلف، جلوه‌ای از نظم عملکردی و انعطاف‌پذیری در معماری مذهبی سده نهم هجری را به نمایش گذاشته است. مسجد جامع سراب به‌عنوان یکی از کهن‌ترین مساجد شمال‌شرق آذربایجان شرقی، در کنار بازار تاریخی شهر، بخش مهمی از بافت مذهبی و اجتماعی سراب را تشکیل می‌دهد و به‌دلیل برخورداری از اصالت معماری، کتیبه‌های تاریخی و ساختار کم‌نظیر، از ظرفیت بالایی برای ثبت در فهرست میراث جهانی برخوردار است

بازدید ارزیابان تهیه پرونده ثبت‌جهانی مساجد تاریخی از مسجد اسنق هریس

بررسی شاخص‌های معماری ایلخانی با حضور معاون میراث‌فرهنگی مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان‌شرقی، عبدالرسول وطن‌دوست، مشاور

طرح نو؛خاطره میرزایی

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی اعلام کرد: هشت مسجد تاریخی و کهن شهرستان‌های میانه، سراب، اهر، مرند و هریس توسط ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی مورد بررسی قرار گرفت و امروز مساجد بناب، مراغه و تسوج نیز بازدید می‌شوند.

احمد حمزه زاده اظهار کرد: ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی با حضور معاون میراث‌فرهنگی مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان شرقی، عبدالرسول وطن‌دوست، مشاور امور بین‌الملل و ارزیاب تهیه پرونده ثبت جهانی و هیأت همراه، از مساجد جامع سراب، اسنق هریس، شیخ شهاب‌الدین اهری، مسجد جامع مرند و ترک میانه بازدید کردند و مسجد بناب و مهرآباد مراغه و تسوج نیز ارزیابی می‌شود.

وی افزود: نتایج ارزیابی و بازدید برای اعلام فهرست اولیه آثار ثبت جهانی ۹۰ روز دیگر ولی فاز اول فهرست نهایی یکسال دیگر مشخص و اعلام می‌شود.

ارزیابان ابتدا از بنای کهن مسجد جامع سراب بازدید کردند و در جریان ارزش‌های تاریخی، معماری و شاخص‌های منحصربه‌فرد بنای کهن مسجد جامع سراب قرار گرفتند.

در جریان بازدید هیئت ارزیابان تهیه پرونده ثبت جهانی مساجد تاریخی، ارزیابان با بررسی مستندات مربوط به روند شناسایی و معرفی مساجد تاریخی کشور برای ثبت در فهرست میراث جهانی، از بخش‌های مختلف مسجد جامع سراب بازدید کردند.

مسجد جامع سراب ۶ قرن قدمت دارد

مسجد جامع سراب در مرکز شهر سراب و در مجاورت مجموعه بازار تاریخی شهر واقع شده و به‌عنوان یکی از بناهای شاخص دوره آق‌قویونلو، از قدمتی نزدیک به شش قرن برخوردار است، مسجد جامع سراب که ساخت آن در کتیبه‌های مرمرین به سال ۸۷۵ هجری قمری و به دست حاجی رفیع‌الدین مشهدالدین العطارق نسبت داده شده است، با طرحی ساده و استوار از آجر بنا شده و فاقد تزئینات رایج دوره‌های بعدی است. سادگی معماری و نظم هندسی آجرچینی در این بنا، نمونه‌ای کم‌نظیر از گرایش به خلوص در معماری مذهبی ایران به‌شمار می‌آید. وجود ۲ کتیبه مرمرین با خط نسخ متداول در دوره آق‌قویونلوها و پایه‌ستونی سنگی در بخش جنوبی شبستان، از عناصر شاخص و ارزشمند بنا محسوب می‌شود که اصالت تاریخی آن را تأیید می‌کند.